

پیشگفتار

مکاشفه یوحنا

نیست تماشا کند. بنابراین پیام به صورت توصیف و تفسیر چیزی است که دیده شده و در این مورد تصویر بیش از سخن اهمیت دارد و سخن فقط برای توضیح وضعیت است تا مفهوم رؤیا را تکمیل کرده آن را تأیید نماید.

۲- نقش و کاربرد نماد

حقایق آسمانی را که شخص رویا بین مشاهده می کند طبعاً فراتر از معیارهای بشری و در مرتبه ای عالی قرار دارند، بنابراین طبیعی است که نتوان آنها را آن چنان که هستند دقیقاً توصیف و تعریف کرد. نویسنده ای که می خواهد مطالبی را ذکر کند که «چیزی دیگر» یا مقدس است باید با قیاس و تقریب عمل نماید، تشبیهات و مقایسه های شگفت انگیز و عجیب و گاهی متناقض بکار برد که قبل نمونه های آن برای توصیف تجلی خدا در نوشته های مذهبی و همچنین در بیان مذهبی دنیا یونانی-شرقی یا در آیین نیایش آمده است.

همچنین استفاده از نمادگرایی بدین منظور است که جنبه محترمانه پیام بر جسته شده و نشان داده شود که دریافت آن امتیازی بشمار می رود. نوشته های مکاشفه ای با تمثیلها، اشارات عددی و اظهارات معملاً گونه به کسانی خطاب می شود که آشنا و وارد هستند یعنی

کلمه یونانی apocaluptein که «مکاشفه» ترجمه می شود از نظر لغوی به معنی «کنار زدن پرده» است؛ بنابراین مکاشفه یعنی «آشکارشدن». نوشته های مکاشفه ای نزدیک و شبیه به سنت نبوی است که به روش مخصوصی شرح و بسط داده می شوند. نفوذ این نوشته ها در کتاب مقدس و نوشته های مربوط به آن، مخصوصاً از قرن دوم پیش از میلاد کاملاً آشکار است (ر. ک دان ۱۲-۷) ولی حتی قبل از آن تاریخ، مقدمات تهیه این گونه نوشته ها را در کتابهای حزقيال، یوئیل، زکريا و اشعيا ۲۸-۲۴ می توان یافت.

ویژگی های کلی ادبیات مکاشفه ای

۱- شکل مکاشفه

سبک ادبی نوشته های نبوی، حتی اگر در آنها گاهی به رؤیاها اشاره می شود، ویژگی اصلی شان الهام یعنی کلام خدا است که به وسیله نبی ابلاغ می شود، پیامی که قبل از شنیده یا در همان دم احساس کرده است. در نوشته های مکاشفه ای، مرد خدا کسی است که بینش درونی دارد: «آسمان را گشوده» دیده یا اینکه از نوعی «صعود» بهره مند شده که او را به جهانی برتر وارد کرده تا حقایقی را که معمولاً در دسترس همه

برای فرد ایماندار خطرات واقعی اوضاع کنونی روش می شود؛ ولی این اظهارات به خودی خود جنبه هشدار دارند: موجب امیدواری کسانی می شوند که تحت تعقیب و شکنجه هستند، به کسانی که دچار تردید شده اند جرأت می دهند و کسانی را که گمراه شده اند به توبه ترغیب می نمایند.

در موعظه پیامبران، توبه و وفاداری، شرایط حفظ پیمان بشمار می آیند. در رؤیای مکاشفه ای، اعلام پیروزی نهایی خدا متضمن پایداری و آمادگی است.

۴- موضوع فوریت، تغییر تاریخ رویدادها و کاربرد نامهای مستعار

پیام های مکاشفه ای به همان روش وحی پیامبران دارای همان فوریت هستند ولی این فوریت به طرق دیگری اظهار می شود و خواننده را وادار می کند قریب الوقوع بودن «روز خداوند» را احساس نماید.

فرا رسیدن قریب الوقوع روز خداوند به روشهای مختلفی به خواننده تلقین می شود که معمولی ترین آنها تغییر تاریخ وقوع رویدادها و بکار بردن نامهای مستعار است: مثلاً اینکه پیام در روزگار گذشته بوسیله شخصیت مشهوری دریافت شده و از طریق یک سلسه افراد وارد ابلاغ گردیده یا اینکه به طرز فوق العاده و شگفت انگیزی پیدا شده است (ر.ک مثلاً مکاشفه باروخ، کتاب اسرار خنوج، صعود موسی، چهارمین کتاب عزرا). منبع و منشأ این نوشه ها که ادعای شود کهن و معنبر هستند اهمیت آنها را تأیید می نماید. بدین وسیله می توان جریان یک واقعه تاریخی را که قبل از انتشار پیام روی داده در زمان

تنها کسانی که خوانده شده اند می توانند به درک اسرار الهی واقف گردند. نویسنده بدین وسیله اهمیت پیام را که می آورد تلقین کرده و حس کنجکاوی خواننده را تحریک می نماید.

۳- موضوع رؤیاهای مکاشفه ای

در حالی که نگرش مذهبی یونانیان در بی شناخت حقایقی والا یا تأمل و سیر در حقایق عبرت انگیز است، الهام کتاب مقدسی، اعلام مشیت خدا و یادآوری حضور فعال او در دل تاریخ است. این اعلام، در عین حال خود یک انتخاب و دعوت به توافق و هماهنگی با عمل خدا است.

در نوشه های کلاسیک انبیا، توجه و اهتمام به تشویق کردن و اندرز دادن صریح و معمولاً روش است و وقتی پیام الهام خدا و سرنوشت ممتاز ملت را اعلام می کنند، الزامات واقعی پیمان را یادآوری می نمایند؛ یادآوری و تذکر اعمال شگفت انگیز گذشته برای تأیید دستورات مربوط به وفاداری است و وقتی دعا های خیر و برکت اعلام می شود یا کیفرها یادآوری می گردد بدان منظور است که به تصمیم فوری تغییر روحی یا اخلاقی منجر گردد.

در نوشه های مکاشفه ای نیز، موعظه و تشویق به وفاداری یا توبه موضوع اساسی بشمار می رود ولی جنبه فوریت آن بلا فاصله آشکار نمی شود. ظاهرآ رؤیاها بایستی اسرار تاریخ را فاش گویند: در این رؤیاها جریان قطعی مراحل مهم و نهایی مشیت خدا آشکار می شود؛ فرا رسیدن دوران جدید و آماده شدن اسرارآمیز آن یادآوری می گردد و بدین وسیله

چنین نظریه‌ای در عین حال موجب خوش بینی و بدینه است: بدینانه است بدین معنی که بی ثباتی و تباہی دنیای حاضر را یادآوری و تأکید می نماید؛ خوش بینانه است زیرا پیروزی نهایی خدا را، با وجود پیروزیهای ظاهری شر ابراز می نماید. این فکر مخصوصاً در دورانهای بحرانی شدت می یابد: وانگهی نوشه‌های مکاشفه‌ای در دورانهای تعقیب و شکنجه تنظیم و انشاء شده اند.

چشم اندازهای خاص مکاشفه یوحنا
مکاشفه یوحنا با اینکه بیشتر روشها و طرز بنای ادبیات مکاشفه‌ای را پذیرفته و بکار برده است، کاملاً از آنها پیروی نمی کند. قسمت مهمی از این اثر واقعاً به شکل مکاشفه نیست: نامه‌هایی که به هفت کلیسا فرستاده می شود (مکا ۲-۳) بیشتر نزدیک به موضعهای معمولی پیامبران است و نویسنده، نظری بیام‌های پیامبران نام خود را ذکر کرده و پیام خود را به معاصرانش خطاب می نماید. مکاشفه یوحنا مخصوصاً به سبب تفسیر مذهبی تاریخ و توجه به نکات مورد علاقه واقعی خود از بیشتر آثار و ادبیات مکاشفه‌ای متمایز است.

۱- تفسیر تاریخ از نظر مسیحیت
رؤیای یوحنا درباره پایان روزگار نظری بعضی از عقاید اساسی خداشناسی در مسیحیت اولیه است. بنابراین نظریات عصر جدیدی که در نوشه‌های مکاشفه‌ای یهودیان اعلام شده و فرا رسیدن آن را انتظار می کشند در هنگام رستاخیز مسیح آغاز شده است.

آینده ارائه نمود و چون وقایع جدید، ماهرانه با رموز و اشاراتی نشان داده می شوند که کاملاً واضح و روشن هستند و در بین نشانه‌های فرا رسیدن نهایی ارائه می گردند، خوانندگانی که می توانند تاریخ وقایع را برآورده و تخمین بزنند در انتظار خواهد بود که به زودی پیروزی عادلان و کیفر بی دینان را بینند.

منتظر از چنین اعلامی کاملاً معلوم است: نزدیک بودن ایام آخر، زمان حاضر را حائز اهمیت خاص می کند؛ سور و حرارت را تقویت کرده و پذیرش و تعهدات ضروری و بلا فاصله را تشویق می نماید.

۵- تفسیر جهان و تاریخ

در موعدهای پیامبران، جریان مشیت خدا در مدتی مداوم و در چهارچوب سرنوشت تاریخی قوم برگزیده ارائه می شود در صورتی که در نوشه‌های مکاشفه‌ای، گسیختگی قاطعی بین زمان حاضر و دوران آینده وجود دارد؛ زمان حاضر دوران گناه و تسلط نیروهای بدی است و آینده دوران پیروزی کامل خدا و برگزیدگانش خواهد بود. به جای دوران حاضر که زمان پیکار و تحمل آزمون‌ها است، دوران تجلی قاطع و بی چون و چرای نظم الهی برقرار خواهد شد. این تغییرات تصادفی نبوده و مربوط به اراده‌های آدمیان نیست. زمان فرا رسیدن آنها قبلًا معین شده که معمولاً آدمیان نمی دانند، زیرا تنها خدا است که فرمانروا و داور تاریخ است. ضمناً فرا رسیدن نهایی ملکوت خدا مربوط به تمامی جهان است و رؤیای پایان روزگار همان ابعادی را دارد که آفرینش داشته است.

گردیده است. از نظر علم الهی، مسیح و کلیسا از توصیف مکاشفه‌ای تاریخ اهمیت بیشتری می‌گیرد. امیدواری مسیحیت فقط وابسته به بازگشت قریب الوقوع مسیح نیست بلکه یادآوری مشارکت کنونی با مسیح در مبارزه پیروزمندانه او است.

در نتیجه موضوع فوریت که معمولاً در نوشته‌های مکاشفه‌ای مطرح می‌شود در چهارچوب برآورد و محاسبه فاصله زمانهای پایان روزگار وارد نمی‌شود بلکه مبنای اعتقاد بر این است که مرحله قطعی مشیت خدا در واقعه عید گذر ظاهر شده و افتتاح گردیده است. دورانهای پایانی به زودی فرا می‌رسند چنانکه در نهان هم اکنون آغاز شده‌اند. انتظار مسیحیت بدان سبب استوار و فعل است که مربوط به نعمت‌هایی است که نوبت آنها از هم اکنون عطا شده است. در مکاشفه یوحنا مقام مهمی به اندیشه و تأمل درباره وقایع نجات و تعمق در اوضاع و شرایط کلیسا داده شده و از این حیث نزدیک به مناظر موعظه‌های پیامبران است که می‌خواستند با یادآوری شگفتی‌های پیمان و جلب توجه به سرنوشت اسرائیل، نوعی بیداری روحی در آنان برانگیزاند. یوحنا در اظهار «ملکوتی که می‌آید» توجه خوانندگان را بیشتر به جنبه پنهانی بودن آن جلب می‌نماید تا اینکه به تاریخ تجلی شکوهمند آن بپردازد و این نکته نشان می‌دهد به چه سبب در مکاشفه یوحنا روش نامهای مستعار و تغییر تاریخ و قوع رویدادها بکار برده نشده است در صورتی که این روش‌ها در مکاشفه‌های سنتی اصولاً برای آن است که نزدیک بودن «روز خداوند» تخمین زده شود.

بنابراین ایام آخر شروع شده و نعمت‌های مسیحی ابلاغ و اعطای شده است: مثلاً روح القدس بر تمام مردمان منتشر شده (ر. ک اع ۲۱-۱۶) و هم‌اکنون فرد مسیحی با مسیح بربیاخاسته است (ر. ک کول ۳:۱). ولی این واقعه رازگونه انجام شده، چیزی است که در حیطه مکاشفه و الهام است و جز به وسیله ایمان درک و دریافت نمی‌شود و به تحقق کامل و تجلی شکوهمند منتهی نمی‌گردد.

بر طبق این چشم‌انداز مسیحی، «روز خداوند» به دو قسم تقسیم شده است: از یک طرف واقعه رستاخیز مسیح و تجلیل او را به مقام خداوندی تعیین می‌کند و از سوی دیگر در انتظار او هستند که برگردد و تجلی درخشان جهانی ملکوت خدا به وسیله مسیح او تحقق یابد. موقتاً تقارن بین «زمان حاضر» و «دوران جدید» وجود دارد بدین معنی که کلیسا در زمان حاضر است ولی از آن دوران آینده می‌باشد و از نظر فرجام شناسی حقیقی بشمار می‌رود، در عین حال تحقق پیشگویی‌ها و نوبت پیشگویی‌های پایان روزگار است.

۲- موضوع رؤیاها

نظر به اینکه هم اکنون ایام آخر افتتاح شده، گسیختگی معمولی بین دوران حاضر و دوران جدید به همان معنی نیست و توالی بین دو مرحله را بیان نمی‌کند بلکه به معنی تمایز بین دو نظم یعنی نظم تاریخی و نظم واپسین است.

بنابراین نقش رؤیاها دیگر فقط یادآوری پایان روزگار نیست تا فرا رسیدن «روز خداوند» را آماده نمایند بلکه بیشتر متوجه به حقایق مرموزی است که قبل مقرر و ابلاغ

کمال است می توان تصور نمود که منظور نویسنده نه فقط چند جماعت بخصوصی که می شناخته بلکه تمامی کلیسا است.

در اینکه مقتضیات انشاء این کتاب چه بوده است، دو نشانه مطمئن در متن وجود دارد ولی نمی توان تاریخ دقیقی برای آن تعیین نمود: از یک سو کلیسا قبلًاً تعقیب و فشار مخالفان را تحمل می کرده و حتی چنین به نظر می رسد که با مخالفت رسمی امپراتوری روم مواجه بوده است. از سوی دیگر، بازگشت خداوند که در انتظار آن بودند به طول کشیده و ارائه مدت انتظار در نزد بعضی ها سردی و بی علاقگی برانگیخته و در نزد بعضی دیگر دلسُردی، سؤال یا بی صبری ایجاد نموده است. با توجه به این نکات دو فرضیه می توان در نظر گرفت: یکی دوران پس از تعقیب و شکنجه های نرون و قبل از ویرانی اورشلیم (سالهای ۶۵-۷۰ میلادی) و دیگری او اخر فرمانروایی دومیتیان قیصر روم (سالهای ۹۱-۹۶ میلادی). به نظر بعضی از مفسران مخصوصاً اشاره ای که به معبد اورشلیم شده (۱۱:۲-۲) و ذکر جانشینی امپراتوران روم (۱۷:۱۰-۱۱) نشانه و دلیل بر تأیید فرضیه اولی است. با این همه بیشتر مفسران عصر حاضر دو مین فرضیه را نزدیک به حقیقت می دانند زیرا از یک طرف با گواهی ایرنانووس اسقف لیون تطبیق می کند و از طرف دیگر دومیتیان در نظر داشته پرستش امپراتور را بیشتر متداول ساخته و توسعه دهد و در مکاشفه سخن از مخاصمه آشتبانی ناپذیر بین ملکوت خداوند عیسی و فرمانروای کفرآمیز قیصر روم است. بعضی از نویسندهای تصور می کنند که اوضاع و شرایط نگارش این

نویسنده و مقتضیات نگارش

در مکاشفه یوحنا چندان اطلاعات دقیقی در مورد نویسنده آن داده نشده ولی نویسنده خود را یوحنا و رسول می خواند (۱:۱، ۴، ۹؛ ۸-۹:۲۲)؛ ولی در هیچ جا نام خود را جزو دوازده رسول قید نمی کند. بر طبق سنت مطمئنی که اثر آن را در قرن دوم میلادی می یابیم، نویسنده مکاشفه همان یوحنا رسول است که انجیل چهارم هم به او نسبت داده شده است. با این همه روایات ابتدایی در این مورد متفق القول نبوده اند و بعضی از جمیعت های مسیحیان تردید داشتند که مکاشفه را یکی از رسولان نوشته باشد. مفسران عصر حاضر در این مورد عقاید مختلفی دارند: بعضی از مفسران اظهار می کنند که با ملاحظه تفاوت در روش نگارش، اختلاف محیط و نظریات خداشناسی که بین این دو اثر وجود دارد مشکل بتوان کتاب مکاشفه و انجیل چهارم را به یک نویسنده منسوب دانست. برخی دیگر از مفسران، بر عکس شباخت موضوع ها، نزدیک بودن نظریات خداشناسی و همچنین زمینه و عمق افاده کلام را که در هر دو اثر طرز بیان سامي است یادآوری می نمایند و فکر می کنند که کتاب مکاشفه و انجیل چهارم با آموزش یوحنا رسول بستگی دارد و احتمالاً بوسیله نویسنده‌گانی که به محافل یوحنا یا در افسس تعلق داشته اند نوشته شده است. مکاشفه به «هفت کلیسای آسیا» خطاب شده (۱۱، ۳-۲: ۱) و منظور هفت جمیعت مسیحیان است که در ایالت آسیای صغیر قرار داشته اند و مرکز آن ایالت شهر افسس بوده است. به دلیل رقم هفت که یادآوری تمامیت و

نیست ولی مشکل اصلی کتاب مکاشفه در تفسیری است که باید برای توالی رؤیاها قائل شد. آیا در توالی رؤیاها نشانه و رمزی در شوق تاریخ به بازگشت آینده مسیح هست؟ یا اینکه این توالی فقط چهارچوب فرضی است که در داخل آن نویسنده جنبه‌های متعدد پیروزی مسیح، شرایط و اوضاع کلیسا و داوری دنیا را ارائه می‌نماید و نه اینکه بخواهد مراحل مختلف جریان پایان روزگار را نشان دهد. تشخیص این نکته اهمیت دارد زیرا به تفسیر مجموعه کتاب مربوط می‌شود. تفسیری که بر مبنای توالی تاریخ‌ها باشد در نوشه‌های مکاشفه‌ای معمولی است ولی در این تفسیرها برای حل بعضی از مشکلات ایجاب می‌کند جای بسیاری از رؤیاها تغییر داده یا جنبه اتفاقی و تصادفی آنها پذیرفته شود. بطبق یک نظریه مهم تفسیری، با توجه به تشابه و برابری چندین قسمت از مکاشفه و از جمله، ذکر عوامل هفت تایی، توالی رؤیاها را به صورت صناعت لفظی و ادبی می‌نگرند: بدین معنی که در سراسر این کتاب، همان عقاید و همان نظریات و پیام‌ها بیان می‌شود ولی هر بار تصاویر مختلف پیوسته تکرار می‌گردد تا به نوعی جدید تصریح شود.

پیام و واقعیت مکاشفه

مکاشفه نظیر هر پیام نبوی دیگری واقعیت مشیت خدا را اعلام می‌کند که با توجه به آن فوریّت، مستلزم تعهد ماست. ضمناً اطلاعات ماوراء‌الطبیعی درباره زمان حاضر و تحقق آن در اختیار ما می‌گذارد. کار خدا به پایان خود رسیده و ما فقط در انتظار انجام آن هستیم (۷:۱؛ ۲۰:۲۲).

اثر پیچیده‌تر است زیرا مکاشفه اثری یکدست نیست بلکه ترکیب ناشیانه قطعات مختلفی است که در طی آخرین ده قرن اول میلادی تألیف، دستکاری و اصلاح شده‌اند.

ساختار مکاشفه و تفسیر آن

حتی اگر فرض شود که بعضی از قسمت‌های مجموعه مکاشفه بدواً جداگانه وجود داشته با این حال نوشته‌ای که بدست ما رسیده دارای ساختاری است که البته با انشاهای کنونی تطبیق نمی‌کند ولی می‌توان ملاحظه کرد که مطالب آن به طرز یکنواختی ادامه می‌یابد و دارای اسلوب نگارش ثابتی است.

در این کتاب از همان ابتدا می‌توان دو قسم تشخیص داد: قسمت نبوی که به شکل «نامه‌هایی به کلیساها» (۲۲:۳-۹:۱) و قسمت دیگری که منحصرًا جنبه مکاشفه ای دارد (۴:۲۲-۵:۲۲). در قسمت اخیر بطور کلی طرح عادی بیان مکاشفه ای رعایت شده است: مثلاً مقدمات پایان روزگار (۶:۱-۹:۱۱)، آزمونهایی که بلافضله می‌رسند و مقابله عظیم (۱۲:۱-۱۵:۲۰)، تحقیق و تجلی نهایی (۲۱:۱-۲۲:۵). در مکاشفه یوحنا این طرح با یک سلسله «عوامل هفت تایی» آمیخته و تکمیل شده است (هفت مهر، هفت شیپور، هفت جام). ضمناً این نبی رؤیاها را واسطه دیگری ذکر کرده و بوسیله آنها اشاره‌های خود را بیشتر نشان می‌دهد، همچنین متن‌های متعددی از عهد عتیق را اجمالاً آورده، تفکر و تعمق خود را درباره راز کلیسا و زمان حاضر ارائه می‌نماید.

البته ارائه طرح دقیقی که مکاشفه بر مبنای آن تنظیم و نگارش یافته باشد مسلم و قطعی

- مسیح پیام آور و «شاهد امین» بود (۵:۱؛ ۳:۱۴؛ ۹:۱۱). کلیسا جمعیتی مقدس است که شهادت می‌دهد و در این دنیا رسالت پیامبری دارد (۱۱:۳-۶؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۲:۹).

- مسیح شهادت خود را تا به مرحلهٔ مصائب و مصلوب شدن ادامه داد زیرا با مخالفت دنیایی که دشمن خداست برخورد نموده است (۱:۵؛ ۵:۶). همچنان کلیسا مأموریت خود را با تحمل آزمون‌ها انجام می‌دهد؛ با مبارزه و شهادت آشنا است (۷:۱۶؛ ۴:۱۱؛ ۱۱:۱۰-۷؛ ۱۲:۲؛ ۴، ۱۱:۱۴؛ ۷:۶؛ ۱۶:۲؛ ۱۸:۴).

- مسیح پیروز گشته و از میان مردگان برخاسته است (۱:۵، ۱۸:۵؛ ۵:۵؛ ۱۲:۵؛ ۱۷:۱۴؛ ۱۹:۱۱؛ ۱۹:۱۲). هم‌اکنون کلیسا در این پیروزی شریک است؛ فقط در وضعیت برگزیدگی نیست بلکه نجات یافته و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است (۶:۱۱؛ ۷:۱۶؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۲:۱۱؛ ۱۷:۱۴؛ ۲۰:۴).

مسیح شکوهمند است و خداوند جهان گشته است (۱:۵، ۱۶:۱۹؛ ۱۲:۱۶). کلیسا هم‌اکنون ملکوت روحانی است؛ از همین اکنون وظیفه‌آسمانی خود را در آیین نیایش انجام می‌دهد و به زودی پیروزی او متجلی خواهد شد (۷:۷، ۹:۱۲؛ ۱۴:۱۵؛ ۲۰:۴).

بدین‌گونه، کلیسا در حال حاضر با جنبه‌های مختلف راز مسیح زندگی می‌کند؛ برهه عید گذر را به هر جا که می‌رود پیروی می‌نماید (۱۴:۴). این همراهی و مطابقت مستلزم حالات و رفتارهای اخلاقی و روحی است:

هم‌اکنون مسیح پیروز شده و ملکوت او افتتاح گشته است. عیسیٰ یکتا نجات دهنده است و لذا بر حسب انتصاب الهی مقام یکتا خداوند متعلق به اوست (۵:۵؛ ۱۱:۱۴-۵؛ ۱۵:۱۷؛ ۱۷:۲).

- مسیح شهادت خود را تا به مرحلهٔ هستیم. پیش‌اپیش نجات و در مقدمات داوری زندگی می‌کنیم. در برابر این واقعه هم‌اکنون آدمیان به دو نوع متمایز آشتبانی ناپذیر تقسیم می‌شوند:

- آنان که مسیح را می‌پذیرند در پیروزی او شرکت دارند، قوم خدا را تشکیل می‌دهند و تحقق قوم مسیحایی هستند (۷:۹-۱؛ ۱۴:۱۷؛ ۵:۵-۱؛ ۱۴:۱۷؛ ۲:۱۵).

- آنان که او را نمی‌شناسند و در حال مخالفت با خدا می‌مانند؛ اینان «ساکنان زمین» هستند، همدستان غاصب بی‌دینی که تحت تسلط شیطان بوده و بمانند او به محکومیت می‌رسند (۶:۱۵؛ ۹:۱۷؛ ۱۵:۶؛ ۹:۲۰؛ ۹:۲۱-۲۰).

کلیسا در ژرفای حقیقت خود، کاملاً با شخص مسیح و عمل او شریک است:

- جماعت برگزیده و مورد محبت او است (۱:۱۹؛ ۶:۱۲؛ ۴:۳؛ ۷:۹؛ ۳:۹).

- بوسیله خون او بازخرید شده است (۱:۱۸؛ ۱۴:۷؛ ۹:۵).

- کلیسا، گشایش ملکوت او، قوم سلطنتی و کهانی او است (۱:۱۰؛ ۵:۶؛ ۷:۱۵).

از این ارتباط اساسی، یک همراهی «وجودی» منتج می‌شود یعنی: سرنوشت کلیسا با توجه به شرکت در سرنوشت مسیح در نظر گرفته می‌شود:

ملکوت مسیح واقعه‌ای در آینده نیست بلکه حقیقتی حاضر و کنونی است. صحنه بازگشت پیروزمندانه و شکوهمند مسیح و داوری نهایی، آنچه را که امروز در راز و در ادامه طول تاریخ انجام می‌شود، در نور خدا و در مقارنت ابدیت منعکس می‌سازد. در هر لحظه انسان تعلق خود را بیان کرده و سرنوشت خود را تصریح می‌نماید ولی در همان لحظه اصالت ایمان او بازرسی و تأیید شده و داوری او انجام می‌گردد. در پیرامون او و در وجود او تناقص آشتبای ناپذیری بین بُت پرستی زمین و شناسایی یکتا مسیح وجود دارد. در سخن پیامبران از فرد ایماندار دعوت می‌شود که به ارزش و اهمیت جاودانی هر لحظه پی‌ببرند زیرا بر طبق این سخنان نه سردی، نه سربه هوایی، نه سبکی و نه مصالحه با بدی پذیرفته نمی‌شود بلکه توبه و تعهد کامل را بر می‌انگیزد. اگر دنیای کنونی را در منظره پایان روزگار و بازگشت مسیح در نظر بگیریم، مکاشفه یادآوری می‌کند که خداوند عیسی در پایان تاریخ است چنان که در اصل تاریخ است و در ماوراء امور ظاهری، حقایق زمینی در مقابل مشیت خدا نسبی هستند، با این همه مکاشفه با موارد متعددی از رمز و اشارات نیایشی، از جمعیت پیروان دعوت می‌کند که آیین پرستش را به مانند ملاقات فعلی و کنونی با مسیح زندگی کنند، همچون دعوتی که ایشان را به هماهنگ شدن با عیید گذر خداوند می‌خواند و به مانند اعلام و انتظار تجلی اورشلیم آسمانی، که آئین نیایش مقدمه قبلی و نشانه پیش‌بیش آن می‌باشد.

- چون در دنیایی که خدا را نمی‌شناسد باید گواهی دهد، از او خواسته شده در وفاداری زندگی کند (۱۰:۲؛ ۱۳، ۲۶؛ ۳:۱؛ ۹، ۷:۲۲؛ ۱۲:۱۴؛ ۳:۸).

- کلیسا که بر روی زمین در تبعید بسر می‌برد، آزار و شکنجه را تحمل می‌نماید ولی در ضمن خدا او را محافظت می‌کند و از نوبرهای رستاخیز برخوردار است، حالتی که با این وضع آزمایش‌ها تطبیق می‌نماید؛ ولی اطمینان به شکوه موجب ثبات و پایداری یعنی نوع مخصوصی از وفاداری است، همچنان که شهید شدن شکل مخصوصی از شهادت دادن است (۱۰:۱؛ ۳، ۲:۲؛ ۱۰:۳؛ ۱۱-۱۰:۱؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۴:۱۲).

- همچنان کلیسا در مرحله گذر و خروج می‌باشد که راه پیمودن به سوی اورشلیم آسمانی، میهنه حقیقی او است، و خود را آماده می‌کند تا از تجلی کامل خداوند خود زندگی نماید. این منظره شکوه آینده، در عین تحمل آزمونهای کنونی، در کلیسا هیجانی مملو از امید ایجاد می‌کند: «بیا! ای خداوند عیسی!» (۱۰:۶؛ ۱۰:۱؛ ۱۲:۱۷؛ ۱۱:۱۵-۱۲؛ ۱۲:۱۸-۱۷؛ ۱۰:۱۲؛ ۲۰:۲۰؛ ۴-۳:۲۰؛ ۱۷:۲۲، ۲۰). البته این پیام به ما مربوط است و از اعلام بازگشت مسیح که تاریخ و طرز فرا رسیدن آن معلوم نیست فراتر می‌رود. ضمناً پیام بدان منظور نیست که در پیروان دلتانگی و امید مبهمنی بوجود آورده، آنان را از انتظارات بیهوده تسلي دهد و دعوت کند از تعهد خود منصرف شوند.

مکاشفہ یو حنا

هر چه دیگه^c شهادت داده است^d،

۳ خوشابر آن که می خواند
و آنان که سخنان این نبوت را می شنوند
و آنچه را در آن نوشته شده است حفظ
می کنند^e زیرا وقت نزدیک است.^f

خطاب

^۴ [از] یوحنای هفت کلیسا که در آسیا
هستند،^g

مقدمة

۱ مکاشفه^a عیسی مسیح
که خدا به او داده تا آنچه را باید
بزودی روی دهد^b به خدمتگزارانش
آشکار کند،
و بواسیله فرستادن فرشته خود، [آن را]
به خدمتگزار خویش یوحنا نشان داده
است،
۲ که بر سخن خدا و گواهی عیسی مسیح در
دان: ۲: ۲۸، ۲۹، ۴۵:
مکا: ۱: ۱۹، ۶: ۲۲، ۱: ۱۶
۳: ۱۹: ۱: ۱۹، ۱: ۲۰، ۹: ۶: ۹: ۹: ۶: ۴

a- کلمه یونانی Apocalupsis [در زبان فارسی] معمولاً مکافشه ترجمه شده از نظر لغوی و ریشه کلمه به معنی «کنار زدن پرده» است. این کلمه در ادبیات یونانی و در ترجمه یونانی کتاب مقدس زیاد بکار برده شده و در کلیساي اوليه در مورد تجلی شکوهمند مسیح در باب روزگار بکار رفته است (روم: ۵:۲-۸؛ ۱:۹-۱۹؛ قرن ۷:۱-۲-۷؛ تسا ۱:۷-۱۳-بطری ۱:۷).

b- این عبارت که مخصوص ادبیات و نوشتۀ های مکافهۀ ای است یادآوری می کند که مشتب خدا مسلم و تعیین‌نایدیر بوده و قریب الوقوع است. در مکافهۀ مسیحی این عبارت فقط جمله ای ادبی نیست که برای دلگرمی افراد بیان شده باشد تا آنان را بلافضلۀ تشیق نماید بلکه بر این نکته تأکید می کند که مرحلۀ نهایی، تاریخ نجات با واقعۀ عین گذرا آغاز شده است.

۵- در ادبیات مکافهه‌ای، چارچوب معمولی ابلاغ پیام، رؤیاها روحانی است یعنی نبی در ماوراء جهان تاریخ، قایع و اوضاع روزهای آینده را پیش‌بین مشاهده می‌کند. در مکافهه یوحنای اصلی رؤیاها بیان آغاز پیروزی مسیح و جنبه‌های مختلف وضعیت کلیسا در بیان روزگار است.

d- موضوع گواهی دادن در کتاب مکاشفه نظری بیشتر موارد در نوشته های عهد جدید با جنبه نبوی پیام نبوی از اهتمام دارد. گواه کسی است که سخن خدا را شنیده یا حقایق آسمانی و مشیت خدا را از طریق رویای روحانی دریافتته است. ضمناً این تعریفه والا متنضم از عزم به مأموریت رسالت است بدین معنی که گواه باید آنچه را دیده و شنیده ابلاغ کند، نه اینکه فقط جزئیات آن را تشریح نماید بلکه به طوری که مفهوم نبوی آن در کششده و موجب ایمان گردد. در کتاب مکاشفه و در مجموعه نوشته های یوحنای عیسی عالی ترین گواه است که می تواند مشیت خدا را با امانت و به تمامی اظهار نماید. عیسی مسیح به عنوان گواه امین (ر. ک ۵:۵) با مخالفت قدرتهای زمینی مقابله کرده و باید آزار و شکنجه های آنان را تحمل نماید. کلمه یونانی marturia که در اینجا به گواه ترجیمه شده اصلًا به همین معنی است ولی در اصطلاح مسیحی مفهوم مخصوصی یافته و به معنی

۵- منظور از حفظ کردن فقط نگهدارشتن و رعایت کردن پیام نیست بلکه بی بردن به اهمیت پیام، زندگی کردن در آن و فنوز آن در سهید بکار برده سده است یعنی نسی به مانند مسیح مغلوب نواهی خود را با حس خود مهر می کند.

- در خصوص موضوع فوریت ر. ک آمده ا تو پسح b.

-g- اسامی این کلیساها در ۱۱:۱ ذکر شده و در باهای ۳-۲ به آنها خطاب خواهد شد. این کلیساها جمیعت‌هایی بودند که در آسیای صغیر، در ناحیه کوچکی در اطراف شهر افسس قرار داشتند. در تفسیر بعضی از نکات و اشارات مکافشه باشی و وضع جغرافیایی و تاریخی این کلیساها را در نظر گرفت. با این همه چون عدد هفت نشانه و مظہر تماشی بشمار می‌توان تصور کرد که نیستنده آهمند خود منحصراً به حند جمیعت معنی خطاب ننم کند بلکه سیام و هجدها و داده است.

آنکه هست، و آنکه بود و آنکه می‌آیدⁿ،
توانای بر همه^p.
آنکه هست، و آنکه بود و آنکه می‌آید^o،
خداآوند خدا می‌گوید: من آلفا و امگا⁸
آری! آمین!⁹
و برای او همه نژادهای روی زمین سینه زک¹⁰:۱۲،
خواهند زد.
و آنان که او را سوراخ کردند،
و هر چشمی او را خواهد دید
دان¹¹:۳۰:۲۴؛
دان¹²:۱۳:۷؛
مت¹³:۲۲:۶؛
دان¹⁴:۱۷:۱۱؛
دان¹⁵:۸:۴:۱؛
دان¹⁶:۵:۱؛

روئایی سر انسان

بر شما فیض و آرامش باد از طرف آنکه
هست، و آنکه بود و آنکه می‌آید^h
و از طرف هفت روحیⁱ که در مقابل
تخت او هستند،

^h ۶:۵ مکا؛ ۱۶:۵ ایاد؛ ۲:۱۱ شیخ؛ ۸:۴ ۱۷:۱۱ مگا؛ ۱:۸ ایاد؛ ۳:۱۱ مکا؛ ۴:۳ خروج

۵ از طرف عیسی مسیح، گواه و فادار،
نخست زاده از [بین] مردگان و سرور
پادشاهان زمین^k.

به آنکه به ما محبت دارد،
و به خون خود ما را از گناهانمان رها
ساخته است.^l

۶ و ما را برای خدا و پدر خود، کشور
سلطنتی و کاهنان ساخت،
شکوه و توانایی بر او به روزگاران و
روزگاران باد. آمين!

h- نام خدا که چندین بار به این صورت در مکافنه ذکر شده تشریح نام الهی به همان طریقی است که بر روی کوه حوریب (کوه سینا) به موسی وحی و اظهار شده بود (بر. ک خروج ۱۴:۳). یهودیان در دوران یونانی گرایی و همچین در ترجمه کتاب مقدس به زبان یونانی نام یهوه را تفسیر کرده و به معنی «آنکه هست» می‌گفته‌اند. در تارگوم اورشلیم (ترجمه کتاب مقدس به زبان آرامی) این نام بسط داده شد و به صورت سه جمله مزون «آنکه هست، آنکه بود و آنکه خواهد بود» درآمد. کتاب مکافنه این روش را پذیرفته و لی بیجاي «آنکه خواهد بود»، «آنکه می‌آید» را گذاشته است تا بر موضوع آمدن در پایان روزگار تأکید نماید.

۱- روح القدس در پیری و تمایب خود. احتمالاً از هفت روحی که در اش ۱۱:۳-۲:۳ ذکر شده تاثیر پذیرفته است.
 ۲- در خصوص گواه وفادار، ر.ک آیه ۴:۵۵ توضیح. در اش ۴:۵ منظور از کلمه گواه مسیح موعد است و در امث ۳۸:۸۹ مسیح به گاه‌ها وفادار، دلیل آسمان تنفسی شده است.

۵- در اینجا نظریه‌ای که نام خدا در سه جمله بیان شده، نام عیسی نیز با عبارتی سه قسمتی ذکر می‌شود که اشاره به مصائب و مصلوب شدن، رستاخیز و تجلیل عیسی مسیح در خداوندی است. این بیانات تا اندازه‌ای به صورت عبارات تشبیه شده هستند و نشان می‌دهند تحت تأثیر عبارات معینی است که در مراحل اولیه مسیحیت بوسیله آنها عقاید اساسی ایمان را بیان می‌کرده‌اند.

۱- کلمه یونانی lusanti که در اینجا (رهای ساختن) ترجمه شده در بعضی از نسخه‌های خطی با تغییر جزئی یک حرف (lousanti) به معنی «شستن» می‌باشد ولی متن بالا بیشتر با روایات مکتوب تطبیق می‌نماید. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که آیات ۵ ب- ۶ مخصوص بعضی از موضوعات سفر خروج نظری رها شدن بوسیله خون و کشور سلطنتی کاهنان باشد (ر. ک خروج ۱۹:۶) که در ۱- بطریق ۵، ۶ نیز تفاوت شده است).

m- ترجمه دیگر: در میان ابرها می آید. در روایات مربوط به تجلی خدا معمولاً ابرها قسمتی از منظرة این وقایع را تشکیل می دهند. ر.ک خروج ۱۹:۱۶؛ اش ۴:۳؛ مر ۷:۹؛ اع ۹:۶. در اینجا نظری مت ۲۶:۴ تأثیر مستقیم دان ۱۳:۷ مشاهده می شود.

۰- رک آیه ۴ توضیح. h پر کارگاران و امدادگران را درین کتاب تقدیر کردند که پر کارگاران و امدادگران را درین کتاب تقدیر کردند.

Fantocratio ده در اینجع به «موانا بیر همه» ترجمه سده معموله در بر جممه یونانی کتاب مقدس در مقابله با نامه عبری می آید که گاهی «خدای ارشت شا» یا «خدای قدرتها» ترجمه می کنند. این کلمه در دنیا یونانی زبان به صورت عنوان

۹- در اینجا جنبه های مختلف موقعیت فرد مسیحی از نظر آخرت شناسی بر شمرده شده است که عبارتند از: شرکت در مصیبت

(ه) کاهی تجربه یا امتحان ترجمه می شود، شرکت در پیکار پایان روز کار ده با واقعه صلیب اغاز شده است و شراکت در سلطنت که به معنی سهمی بودن در فرمانروایی و سروری مسیح است که بر مرگ و بر قدرتمندی بیرون شده است؛ بالاخره شکیابی که عبارت از وفادار ماندن در عین تحمل مصائب و آزمونها و با وجود وسوسه ها که نشانه دوران پایان روزگار است.

- که ردای بلندی داشت
و حمایی طلایی بر سینه بسته بود.
^{۱۴} و سرش و موهاش مثل پشم سفید و مثل برف سفید بود
و چشمانش مثل شعله آتش.
^{۱۵} و پاهایش مثل مفرغ که در کوره ای دان^{۶:۱۰}
تاییده شده باشد
و صدایش مثل صدای آبهای بسیار،
^{۱۶} و در دست راستش هفت ستاره داشت
واز دهانش شمشیر تیز دو دمی خارج
می شد^۷
و صورتش مثل خورشید که با قدرت خود
می درخشید.
^{۱۷} و وقتی او را دیدم به مانند مرد به دان^{۸:۱۸}
پاهایش افتادم،
و او [دست] راستش را ببروی من گذاشته
- [مسیح هستم]^{۲:۱}، به خاطر سخن خدا و
گواهی بر عیسی در جزیره ای به نام
مکا^{۱۴:۱۴} پطمس بودم.^۱
- ^{۱۰} در روز خداوند^۵ در روح شدم^۶ و در
پشت [سر] خود صدایی بلند
چون شیبور شنیدم^۷،
^{۱۱} اکه می گفت^۸: آنچه را که می نگری در
كتابی بنویس و [آن را] به هفت کلیسا
بفرست: به افسس، و به اسپیرنا، و به
پرگامس، و به طباتیرا، و به ساردن، و
به فیلانفیه و به لاودیکیه.^۹
- ^{۱۲} و برگشتم تا صدایی را که با من سخن
می گفت نگاه کنم و چون برگشتم هفت
چراغدان از طلا دیدم^{۱۰}،
^{۱۳} و در میان چراغدانها
دان^{۷:۱۳} مکا^{۱۳:۱۴} کسی شبیه پسر انسان^{۱۱}

۱- احتمالاً نویسنده به سبب ایمان و موعظه های خود در تبعید بوده است. گریجه وی در جزیره کوچکی در دریای اژه) مکافهه را دریافت کرده ولی متضمن آن نیست که این اثر در همانجا نوشته شده باشد. برخی می گویند که در شهر افسس نوشته شده است.

۸- اصطلاح «روز خداوند» چندین بار در نوشته های عهد عتیق در مواردی که خدا در جریان تاریخ دخالتی مخصوص می نماید بکار برده شده است؛ در دوران پس از تبعید یهودیان این اصطلاح بیش از پیش به مفهوم پایان روزگار بکار برده می شد در صورتی که به نظر مسیحیان، پایان روزگار با رستاخیز مسیح آغاز شده و اصطلاح روز خداوند هم به معنی باد بود پیروزی عید گذر و هم اعلام بازآمدن مسیح است که تجلی کامل و قطعی آن خواهد بود. ضمناً از همان اوایل دوران مسیحیت، مسیحیان روز یکشنبه را ضمن عبادت و نیایش به باد بود عید گذر و انتظار باز آمدن مسیح گرامی داشته و عید می گیرند (ر.ک اع^{۷:۲۰}-۱-قرن^{۱۱:۲۶}-۲۶، ۲۶:۱۶).

۹- ترجمه دیگر: بوسیله روح القدس گرفته شدم.

۱۰- در تشریح تجلی های الهی و یادآوری ظهورهای ایام آخر معمولاً به طنین و صدای شیبورها اشاره می شود (ر.ک مت^{۲۴:۲۱}-۱-قرن^{۱۶:۱}-۱-قرن^{۱۵:۵}-۱).

۱۱- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

۱۲- ر.ک آپه^۴ توضیح^۸.

۱۳- احتمالاً یادآوری و اشاره به چراغدان هفت شاخه ای است که مدام در قفس در حضور خدا روشن بود (ر.ک خروج^{۲۵:۲}-۳۱:۲)-۲۰، ۲۰:۲۱-۲۱، ۲۱:۴-۱۴. در زک^{۴:۱۴} رؤیایی ذکر شده که در آن چراغدان طلایی نقش دارد؛ نویسنده مکافهه در جاهای مختلف اثر خود از دیگر نمادها و نشانه های کتاب زکریا بهره برده است (ر.ک زک^{۴:۱۰}-۱۰:۴ و مکا^{۶:۴}-۶:۴ و مکا^{۱۱:۴}-۴).

۱۴- عنوان پسر انسان، برطبق ادبیات مکافهه ای یهودیان که پس از کتاب مقدس نوشته شده و تحت تأثیر دان^{۷:۱۳}-۱۳:۱۴، در مورد موجود مرموزی بکار برده شده که مجری مشیت الهی در پایان روزگار است و اختیارات و مقام سلطنتی و قضائی دارد. در تشریح مطالب بعدی، نمادها و نشانه های مختلفی ذکر می شود که بسیاری از آنها از دان^{۹:۷}-۹:۱۴ گرفته شده و علو مقام و عظمت و اختیارات این پسر انسان را یادآوری می نمایند یا پسر انسانی که باید شخصیت عیسی مسیح را در او تشخیص داد.

۱۵- ر.ک اش^{۴:۲}-۲:۴؛ عبر^{۱۲:۴}-۴:۲ و مکا^{۱۹:۵}-۵:۱۵.

و آنان که [خود را] رسول می نامند و
[رسول] نیستند به آزمایش گذاشته
و ایشان را دروغگو یافته ای،
^۳ و شکیبائی داری

و به خاطر اسم من تحمل کرده ای و از با
در نیامده ای.

^۴ ولی علیه تو این را دارم که محبت نخست^c
خود را فرو گذاشته ای.

^۵ پس به یاد آور از کجا افتاده ای:
و توبه کن و کارهای اولیه را بکن.
و گرنم نزد تو می آیم

و چرا غدان تورا از جایش بر می دارم اگر
توبه نکنی.

^۶ ولی این را داری
که از کارهای نقولا ویان^d متفرقی، که من
هم نفرت دارم.

^۷ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنو: از درخت زندگی که در بهشت خدا^e
است به پیروزمند خوارک خواهی داد.

نامه به کلیسای اسمیرنا
^۸ و به فرشته کلیسائی که در اسمیرنا است

گفت:
اش: ۶:۴۴
۱۲:۴۸
مکا: ۸:۱
۸:۲
۱۳:۲۲
دان: ۵:۱۰

و مرده بودم و اینک به روزگاران و
روزگاران زنده هستم^z
و کلیدهای مرگ و وادی مردگان^a را دارم.
^۹ پس بنویس آنچه را دیده ای، و آنچه
هست و آنچه پس از اینها فرا می رسد.
^{۱۰} راز هفت ستاره که بر [دست] راست من
دیده ای و هفت چرا غدان طلائی [چنین
است]: هفت ستاره، فرشتگان^b هفت
کلیسا هستند و هفت چرا غدان هفت
کلیسا می باشند.

نامه به کلیسای افسس

۱ به فرشته کلیسای در افسس

بنویس:

آنکه هفت ستاره به دست راست خود دارد،
آنکه در میان هفت چرا غدان طلائی راه
می رود چنین می گوید:
^{۱۱} از کارهای تو، و از زحمت [تو] و از

شکیبائی تو آگاهم،

و اینکه نمی توانی شریران را تحمل کنی.

Z- ر. ک اش: ۶:۴۴ و ۱۲:۴۸ که در آنجا این عبارت در مورد خدا بکار برده شده است. در اینجا و در مکا: ۸:۲۲، ۱۳:۲۲ منظور مسیح می باشد.

a- کلمه یونانی Hades که وادی مردگان ترجمه شده، یونانیان به کشور مرگ اطلاق می کردند. ر. ک مت ۱۸:۱۶ توضیح.^۹
b- منظور از فرشتگان کلیسا ممکن است رؤسای جمیعت های مسیحیان نظری نبی (حجی: ۱) یا کاهن (ملا: ۷:۲۶) باشد که بعنوان فرشته (یعنی فرستاده خدا) تعیین شده اند؛ یا اینکه بیشتر محتمل است منظور وجود روحانی جمیعت مسیحی باشد که به صورت شخصیت مجسم گردیده است. ضمناً اعتقاد بر اینکه برای هر یک از حقایق زمینی یک المثلثی در آسمان وجود دارد با روحیه یهودیان آن دوران کاملاً سازگار بوده است.

به هر صورت نظریه الهاتی که در اینجا تأویحاً بیان می شود این است که کلیساها در دست مسیح و تابع داوری او هستند.

c- ترجمه دیگر: اشتیاق اولیه.

d- درباره بدعت نقولا ویان که مجدداً در آیه ۱۵ ذکر شده هیچگونه اطلاعی در دست نیست و تنها نکته ای که وجود دارد در همین کتاب مکاشفه است که می نویسد تمایل به عقاید گنوی و زندگی در خوشگذرانی و عیاشی دارند.

e- اشاره به پید: ۹، آدم که از بهشت رانده شد از درخت زندگی دور گردید (پید: ۳: ۲۲). یهودیان در انتظار این بودند که

نامه به کلیسای پرغامس

۱۲ و به فرشته کلیسائی که در پرغامس است
بنویس:
آن که شمشیر تیز دو دارد چنین ۱۵:۱۹:۱
می گوید:
۱۳ از جائی که سکونت داری آگاهم، جائی
که تخت شیطان هست.
و تو به نام من وابسته ای و ایمان مرا
انکار نکرده ای،
حتی در روزهای آنتیپاس، آن گواه من، ۱۴:۳
ایماندار من که در نزد شما، جائی که ۱۱:۱۶
شیطان ساکن است کشته شد.
۱۴ اما اندک چیزی علیه تو دارم: در آنجا
کسانی را داری که وابسته به آموزه بلعام
هستند، که به بالاق یاد می داد سنگ
لغزش جلو فرزندان اسرائیل بیندازد تا
گوشت قربانی بت ها را بخورند و
مرتکب بی عفتی شوند.^k ۱۵ بدین سان
تو هم کسانی داری که همان طور وابسته

بنویس:
[آن که] نخستین و آخرین است، آن که
مرده بود و زندگی از سر گرفت چنین
می گوید:
^۱ از مصیبت تو و بینوائی تو آگاهم
اما تو شروتمندی!
و [آگاهم] از کفرگوئی آنانی که خود را
يهودی می گویند
ولی نیستند بلکه «کنیسه شیطانند».^f
۱۰ مترس از آن چه تحمل خواهی کرد؛
اینک ابلیس چند نفر از بین شما را به
زنдан خواهد افکند تا امتحان شوید
دان ۱، ۱۲:۱ و ده روز مصیبت خواهید داشت.^g
تا [سرحد] مرگ و فادرار باش و من به تو
تاج زندگی خواهم داد.^h
۱۱ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنو: به
پیروزمند هرگز دچار مرگ دوبارهⁱ
نخواهد شد.

مسیح موعود مجدد آنان را به بهشت وارد کند؛ مثلاً ر. ک. کتاب وصیت نامه لاوی ۱۱-۱۰:۱۸ که نوشته است: وی (مسیح
موعود، کاهن اعظم) درهای بهشت را خواهد گشود و به مقدسان از درخت زندگی خوارک خواهد داد. عیسی برای کسانی که
در او به پیروزی برستد به این انتظار تحقق می بخشد.
f- مبنای این اتهام آن است که مسیحیان معتقد بودند خودشان یهودیان حقیقی و اسرائیل واقعی هستند (ر. ک. روم ۲:۲۸-۲:۲۹؛
غل ۳:۶-۶:۲۹). به این ترتیب یهودیانی که مسیح را نپذیرفته و در بی آزار و شکنجه مسیحیان بودند، امتیاز دعوت الهی را
رد کرده و بنابراین دیگر فرزندان ابراهیم به شمار نمی آیند بلکه فرزندان شیطان (ر. ک. یو ۴:۸).
g- در اینجا مصائب آینده اعلام شده است که احتمالاً مدت آن کوتاه خواهد بود (ده روز) و سلسله یهودیان مسبب آن می باشدند
(ابلیس = شیطان مذکور در آیه ۹ است). بعدها در همین شهر اسمیرنا در قرن دوم میلادی بر اثر تحریک یهودیان، مسیحیان
آزار و شکنجه سیار دیدند (ر. ک. شهید شدن پولیکارپ).
h- شهادت همچون مبارزه است و نظیر نمایشهای مبارزه قهرمانان در میدانهای بازی، کسی که پیروز شود تاج افتخار دریافت می کند.
i- منظور مرگ نهائی و قطعی است که در مقابل مرگ جسمانی در اینجا مرگ دوباره نامیده شده است (ر. ک. مکا ۲۰:۶، ۱۴:۸).
j- شاید اشاره به پرستش امپراطور باشد زیرا در ناحیه آسیای صغیر، شهر پرغامس مرکز مهم این پرستش بود و به مسیحیان دستور
داده شده بود که از بین مسیح یا امپراطور یکی را به عنوان خداوند انتخاب کنند.
k- بر طبق بعضی از روایات یهود، مفاد اعد ۲:۱۱ و اعد ۳:۱۶ تافق شده و بلعام به عنوان محرك بی وفای در سرزمین موآب به
شمار آمده است. این نکته گاهی در روایات مسیحی نیز ذکر شده است (یهو ۱:۱۱-۲:۲-پطر ۲:۱۵). در کتاب مکاشفه نظیر نوشته های
عهد عتیق در مورد کسی که نسبت به خدا و فادرار نبوده و به بتها روی می آورد، کلمات فحشاء و فاحشه بکار برده می شود.

پاهایش به مانند مفرغ است چنین
می‌گوید:

^{۱۹} از کارهای تو و محبت تو و ایمان [تو] و
خدمت و شکیبائی تو و از آخرين
کارهای تو که از اولین [کارها] بیشترند
آگاهم.

^{۲۰} اماً علیه تو این دارم که می‌گذاري
ایزابل^P،
آن زنی که خود را نبیه می‌خواند
خدمتگزاران مرا گمراه کرده به [آنان]^{۱۴:۲} [اعده ۱۲:۵]
مکا^{۱۴:۲} بی عفتی و خوردن گوشت‌های قربانی
بته را بیاموزد.

^{۲۱} و به او فرصلت داده ام تا توبه کند
ولی نمی‌خواهد از بی عفتی خود توبه
نماید.

^{۲۲} اینک او و کسانی را که با او زنا
کرده اند

به آموزش نقولاوی^۱ هستند.

^{۱۶} پس توبه کن؛

و گرنه بزودی نزد تو می‌آیم

و با شمشیر دهانم با ایشان خواهم جنگید.

^{۱۷} هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]

به کلیساها می‌گوید بشنود:

به پیروزمند از من^m خواهم داد؛ و بر

و به او سنگی سفیدⁿ خواهم داد، و بر

اش^{۱۴:۶}؛
مکا^{۱۲:۳}؛

۱:۱۴

این سنگ نامی نو^۰ نوشته شده که هیچ

کس جز آن که دریافت می‌کند

نمی‌داند.

نامه به کلیساي طیاطира

^{۱۸} و به فرشته کلیساي که در طیاطира است

بنویس:

[اینک] سخن پسر خدا،

دان^{۱۰:۶}؛

مکا^{۱۴:۱}؛

آن که چشمانی به سان شعله آتش دارد و

d- رک مکا^{۲:۶} توضیح.

m- طبق خروج^{۱۶} که در عبر^{۹:۴} نیز نقل و تایید شده است اندکی از من (مائده آسمانی که در صحرای سیننا برای یهودیان می‌رسید) در «خیمه ملاقات» قرار داده شده بود تا یادآوری عنایت و توجه خدا نسبت به قوم خود باشد. این روایت بعداً مشروح تر گردید مثلاً در ۲-مک^{۲:۴-۸} آمده که پس از ویرانی اورشلیم، ارمیای نبی صندوقچه پیمان و باقیمانده مائده آسمانی را در کوه نبو پنهان کرد؛ برطبق بعضی از نوشته‌های یهودیان که مؤخر بر کتاب مقدس هستند این اشیاء را در «روز یهوه» باز خواهند یافت.

n- بنابراین من پنهان در واپسین روزگار عطا خواهد شد و مظهر و نشانه انتقال قطعی نعمت‌های مسیحائی است. در اینجا اختلاف مائده آسمانی با گوشت‌های قربانی برای بتها نشان داده شده و خوردن این گوشت‌ها نوعی همراهی با رب النوعهای مشرکان بسیار آمده است. برای فرد مسیحی ذکر این نکته یادآور راز سپاسگزاری است که مائده پایان روزگار و نویرهای زندگی آسمانی می‌باشد (ر.ک یو^{۶:۳۱-۵۸}).

o- منتظر از سنگ سفید علوم و مشخص نبوده و تفسیر آن مسلم نیست. میکن است پولک (ثون) برای ورود به مجتمع سلطنتی، یا طلس^p یا علامت رأی برائت در دادگاه است. به هر صورت رنگ سفید یادآور نوعی شرکت در شکوهمندی است و در اینجا مخصوصاً توجه به نام مقدسی است که بر روی این سنگ ثبت شده است.

p- مسلمان «نامی برتر از هر نام» است که مسیح پس از رستاخیز این نام را دریافت نموده است (ر.ک فی^{۹:۲}). فرد مسیحی انتقال و ابلاغ نام خداوند خود را دریافت خواهد کرد، یعنی فراخوانده شده تا در مقام و سرنوشت او سهیم باشد. در متن بالا سخن از نامی نواست و این صفت را که قبلاً انبیاء در نوشته های عهد عتیق بکار برده اند (اش^{۹:۴-۳۱}؛ ار^{۳۱:۳-۳۲}؛ حرق^{۳۶:۲۶}) در کتاب مکافه اکثرآ توصیف واقعیت های پایان روزگار و بنابراین خایق مسیحیت هستند مثلاً: دنیای نو، آسمان نو، اورشلیم نو... (ر.ک مکا^{۵:۱}). اصطلاحات مشابهی در سایر نوشته های عهد جدید وجود دارد: عهد نو (۱-۲ قرن^{۱:۲-۲}؛ قرن^{۳:۶})، آفریده نو (غلایع^{۱:۲-۱۵:۲}؛ قرن^{۲:۱۵:۲})، انسان نو (افق^{۱:۲-۱۵:۲}؛ قرن^{۴:۳-۲۴:۴})، فرمان نو (یو^{۳:۱-۳۴:۱}).

q- نام ایزابل در اینجا نامی نمادین و مظهر بدی و بت پرستی و اشاره به زنی است که بنابر نوشته های عهد عتیق آئین بت پرستی را در فلسطین رواج می‌داد (ر.ک ۱-پاد^{۱:۳۱-۳۱}-پاد^{۲:۶-۶}-پاد^{۲:۹-۹}). بی نظمی هایی که ذکر شده مربوط به خطاهایی است که نقولاویان مرتكب می‌شدند (ر.ک مکا^{۲:۶} توضیح d).

و به او ستارهٔ صبح^۷ راخواهم داد.
۲۹ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنو!

نامه به کلیسای ساردس

۳ ^۱ و به فرشتۀ کلیسائی که در
ساردس است بنویس:

آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد ^{اش:۱۱؛ مکا:۶؛ ۵:۴؛ ۴:۳}
چنین می‌گوید:
از کارهای تو اگاهم که به اسم زنده ^{۲۰؛ ۱۶:۱}
هستی ولی مرده‌ای!

^۲ هشیار باش و بقیه را که نزدیک به مُردن
هستند^۷ تشبیت کن؛ زیرا تیافته‌ام که
کارهای تو در برابر خدای من به تحقق
رسیده باشد.

^۳ پس به یاد بیاور چگونه دریافتی و شنیدی^w
و نگاه دار و توبه کن.

اگر هشیار نمانی، به مانند دزدی می‌آیم ^{مت:۴۳-۴۲؛ ۴:۲؛ ۱:۱}
و نخواهی دانست چه ساعتی بر تو سر ^{۱:۱۶؛ مکا:۱۵}
می‌رسم.

^۴ ولی در ساردس چند نفر داری که لباسهای
خدود را آلوده نکرده‌اند؛

با مصیبیتی بزرگ بر روی بستر خواهم
انداخت^۹،

اگر از کارهای او توبه نکنند.

^{۲۳} و فرزندان او را به وسیلهٔ مرگ از بین
خواهم برد

و تمام کلیساها خواهند دانست که من،
^{۱۰:۷} کلیه‌ها و دلها را تفحص می‌کنم
و به هر یک از شما برابر کارهایتان ^{۱۳:۶۲؛ ۲۷:۱۶}
خواهم داد.

^{۲۴} ولی به شما می‌گویم، به کسان دیگری در
طیاطیرا که در این آموزش شرکت
ندارند، آنان که به اعماق شیطان پی
نبرده‌اند^{۲۵} چنانکه می‌گویند؛

بار دیگری بر دوش شما نمی‌گذارم؛
^{۲۵} فقط آنچه دارید نگه دارید تا آنکه بیایم.

^{۲۶} و پیروزمند، آنکه کارهای مرا تا به آخر
رعایت می‌کند، به او اقتدار بر امت‌ها

را خواهم داد^{۲۷}،
^{۹:۲؛ ۱:۱۲؛ ۵:۱} و آنان را با عصائی آهین خواهد چرانید،
چنانکه کوزه‌های سفالین را خرد می‌کنند^t،
^{۱۵:۱۹} ^{۲۸} همچنان که من نیز از پدرم [اقتدار]
یافته‌ام،

۹- ترجمهٔ دیگر: اینک اورا بر روی بستر مصیبیتی ناگوار می‌اندازم، همچنین همنشینان زناکار او را.
۱۰- در اینجا نویسنده ادعاهای پیروان گنوosi را محکوم می‌کند که مدعی بودند پس از دریافت تعلیمات مخصوص، محروم به اسرار
شده و به شناسائی رموز ممتاز مذهبی دست می‌یابند.

۱۱- کلمه یونانی که در اینجا امت‌ها ترجیح شده اکثراً به مفهوم مشرکان و در مقابل قوم خدا بکار برده می‌شود ولی گاهی این کلمه
را بدون اینکه منضم‌اندازی و معارضه باشد به معنی کلی امت‌ها بکار می‌برند. البته در صورت رعایت امامت در ترجیح
باید همواره به امت‌ها برگردانده شود، حتی اگر نظیر مورد بالا، اوضاع و احوال و موضوع کلام نشان دهد که منظور مشرکان
است.

۱۲- تصویر قدرت خُرد کردن کوزه‌های سفالین و این طرز بیان که از مز:۱۹-۸:۲ اخذ شده در مورد مسیح می‌باشد و در مکا:۵؛ ۱۲:۱۹
نیز خواهد آمد. در اینجا مسیح این قدرت را به مسیحیان نیز تعمیم می‌دهد یعنی مسیحیان در اقتدار پادشاهی او سهیم
می‌باشند (ر.ک مکا:۹:۱ توضیح q).

۱۳- تصویر ستارهٔ صبحگاهی نشانه مسیحیائی است (ر.ک اعد:۱۷). در اینجا نظریه مکا:۱۶:۲۲ مبنظر از ستارهٔ صبح مسیح
می‌باشد. در این آیه مجدداً با عباراتی جدید سهیم بودن فرد مسیحی با مسیح بیان شده است.

۱۴- مفهوم جمله یا این است که عمر کمی از جمعیت باقی مانده یا اینکه تعداد محدودی از اعضای جمعیت وفادار مانده‌اند.

۱۵- یعنی چگونه [کلام را] دریافتی و شنیدی. گاهی ترجمه می‌کنند: بیاد بیاور آنچه را دریافتی و شنیده‌ای.

نمی تواند آن را بیندد،
زیرا توانائی اندک داری و سخن مرا
رعایت کرده ای و نام مرا انکار ننموده ای.
^۹اینک [به تو] از کنیسه شیطان ^b می دهم،
آنکه خودشان می گویند یهودی هستند
و نیستند بلکه دروغ می گویند!
اینک بر همه ایشان چنان خواهم کرد که اش ^{۴۵:۲}
خواهد آمد و در برابر پاهای تو بوسه بر ^{۴۹:۶۰}
زمین خواهد زد.
و خواهند دانست که به تو محبت داشته ام. اش ^{۴:۴۳}
^{۱۰} و چون تو سخن پایمردی مرا رعایت
کرده ای،^c
من هم تورا در ساعت آزمایش که بر
تمام زمین فرا می رسد
تا همه کسانی را که بر ربع مسکون
سکونت دارند ^d آزمایش نماید نگهداری
خواهم کرد.^{dd}
^{۱۱} به زودی می آیم؛
آنچه داری در دست نگه دار تا کسی تاج
تورا نگیرد.^e

و ایشان با [لباسهای] سفید با من راه
خواهند رفت^x زیرا شایسته هستند.
^۵ بدین گونه، پیروزمند لباسهای سفید در بر
خواهد داشت؛
و نام او را از کتاب زندگی ^y نخواهم زدود
و نامش را در برابر پدرم و در برابر
مت ^{۲۲:۱۰} فرشتگانش اقرار خواهم کرد.^z
^۶ هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می گوید بشنود!

نامه به کلیسای فیلادلفیه

^۷ و به فرشته کلیسائی که در فیلادلفیه است
بنویس:
[آن که] مقدس [و] حقیقی است،
آنکه کلید داود^a را دارد؛
و آنکه باز می کند و کسی نخواهد بست
و می بندد و کسی باز نمی کند،
چنین می گوید:
^۸ از کارهای تو آگاهم؛
اینک در برابر تو دری گشوده ام که کسی

^x- تصویر لباس برای نشان دادن ژرفای حقیقت آدمی بکار می رود. کسی که لباس خود را آلوده می کند، خود را ناشایست و ننگین می سازد [چنان که در زبان فارسی هم کسی را که فاسق و بی عفاف است آلوده دامن می خوانند]. ضمناً دریافت کردن لباسی سفید به مفهوم پاک و منزه شدن و شرکت در زندگی مسیح رستاخیز کرده است. این تصویر بارها در مکاشفه بکار رفته است (ر.ک مکا۳:۱۸؛۱۸:۴؛۴:۳؛۱۱:۱؛۱۱:۷؛۹:۷؛۱۳:۱۴-۱۳،۲۲:۱۴).
^y- کتاب زندگی، دفتری آسمانی است که نام برگزیدگان در آن ثبت شده است (ر.ک مکا۸:۱۳؛۱۷:۸؛۱۷:۸؛۲۰:۱۲؛۲۷:۲۱). این تصویر مرتب در نوشته های کتاب مقدس آمده است (مثالاً ر.ک خروج ۳۲:۳۲؛ حزق ۶:۲۸-۲۹؛ دان ۱:۱۲؛ فی ۳:۴).
^z- ترجمه دیگر: در برابر پدرم و در برابر فرشتگانش جواب گو خواهم بود.

^a- کلید داود. این اصطلاح مربوط به قطعه ای در کتاب اشیعیاست (اش ۲۲:۲۲) و در آنچه موضوع در باب انتقال قدرت به نماینده و مأمور مورد اعتماد است. در صورتی که در اینجا باید به مفهوم مسیحیانی درک شود یعنی مسیح اقتدار کامل دریافت نموده و داوری او قطعی و غیرقابل استیناف است.

^b- ر.ک مکا۲:۹ توضیح ^f.

^c- ترجمه دیگر: چون سخن مرا با پایمردی رعایت کرده ای.

^d- چنین به نظر می رسد که در اینجا منظور از کسانی که بر ربع مسکون سکونت دارند مردمانی هستند که بر روی زمین مستقر شده اند درصورتی که بالعکس مسیحیان از هم اکنون اصولاً اهل آسمان به شمار می آیند (ر.ک فی ۳:۲۰).

^{dd}- [کلمه یونانی که در اینجا بر حسب ضرورت کلام «نگهداری کردن» ترجمه شده همان است که معمولاً به رعایت کردن برگردانده می شود (ر.ک آیه ۸ و قسمت اول آیه)].

^e- ر.ک مکا ۱۰:۲ توضیح ^h.

و نمی‌دانی که درمانده، قابل ترجم،
بینوا، نایبنا و برنه هستی،

^{۱۸} به تو اندرز می‌دهم از من طلای پاک
شده به آتش بخر تا شروتمند شوی و
لباسهای سفید تا بپوشی و شرم‌ساری
برهنگی تو آشکار نگردد
و [قدرتی] سُرمه برای کشیدن به
چشم‌ان ⁱⁱ تا ببینی.

^{۱۹} من، تمام آنانی را که دوست می‌دارم
سرزنش و تادیب می‌کنم؛

پس غیرت داشته باش و توبه کن.

^{۲۰} اینک دم در ایستاده و در می‌زنم،
اگر کسی صدایم را بشنود و در را باز کند،
به نزد او درآمد و با او شام خواهم ^{لو}
خورد و او با من.

^{۲۱} به پیروزمند این [اجازه] را خواهم داد ^{مت:۱۹:۲۸}
که با من بر روی تخت من بنشینند ^{لول:۲۲:۳۰}
چنانکه من هم پیروز شدم و با پدرم بر
روی تخت او نشسته ام.

^{۲۲} هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنود!

تخت خدا و نیایش آسمانی

^۱ پس از آن دیدم
^۴ و اینک دری گشاده در آسمان،

^{۱۲} پیروزمند را ستونی در قدس خدای خود
خواهم ساخت و دیگر بیرون نخواهد
رفت،

و بر روی او نام خدایم،
و نام شهر خدایم، اورشلیم نو ^f را که از
آسمان از [نزد] خدای من فرود می‌آید و
[همچنین] نام جدید ^g خود را خواهم
نوشت.

^{۱۳} هر که گوش دارد آنچه را روح [القدس]
به کلیساها می‌گوید بشنود!

نامه به کلیساي لاوديكيه

^{۱۴} و به فرشته کلیساي که در لاوديكيه

است بنويس:

آمين ^h چنین می‌گويد [آنکه] گواه
وفادر و حقیقی،
واساس آفرینش خدا است:
از کارهای تو آگاهم: که تو نه سرد، نه
جوشان هستی.

کاش سرد يا جوشان بودی!
^{۱۶} بدینسان چون ولرم هستی و نه سرد [و]
نه جوشان، تورا از دهان خود استفراغ
می‌کنم.

^{۱۷} زیرا می‌گوئی: من شروتمند و شروتمند
شده ام و به هیچ چیز نیاز ندارم،

- در اعلام پیامبران در باب اورشلیم نو و ترمیم خرابی‌های اورشلیم، انتظار یهودیان منحصر به بازسازی مادی اورشلیم نبوده است (ر. ک اش:۵۱-۱:۶۵-۲۵). همین موضوع در مسیحیت اظهار شده بدین معنی که اورشلیم مرکز و نقطه اصلی عهد و پیمان نیست بلکه مسیحیان خود را اهالی شهری آسمانی می‌دانند که اورشلیم نو می‌باشد (ر. ک مکا:۲۱: همچنین ر. ک غلا:۳۶).

- آمین کلمه‌ای عبری است که از نظر ریشه لغوی به معنی استحکام و یقین می‌باشد. این کلمه در اجرای مراسم مذهبی یهودیان و سیس در مسیحیت در مورد پاسخ ایمان داشتن به کلام خدا به کار برده می‌شود. در تمام این معانی همچنان که در متن بالا، مسیح آمین است (ر. ک-۲-قرن:۱۹-۲۰).

- اساس آفرینش خدا، حکمت خدا و کلام اصلی خدا است (ر. ک ۸:۲۲؛ حک:۹:۱-۲؛ کول:۱۵:۱-۱۸).

- [تحت‌اللفظی: برای تدهین چشمان].

- با توجه به این که در کتاب مکاشفه، مخصوصاً در نامه‌های خطاب به کلیساها، مرتبأ اشاره به تصاویر آئین نیایش می‌شود گاهی

و بر روی سرshan تاجهای زرین [بود].
^۵ و از تخت آذربخشها و صداتها و تندرها خروج ۱۳:۱
^۶ خارج می شد. و در برابر تخت هفت
^۷ مشعل آتش می سوخت
^۸ که هفت روح خدا هستند.ⁿ
^۹ و در جلو تخت به مانند دریائی شیشه ای خرق ۲۲:۱
^{۱۰} شیشه بلور^۰ [بود]
^{۱۱} و در وسط تخت و دورادور تخت چهار خرق ۲۱-۵:۱
^{۱۲} جاندار که پیش رو و پشت سر [آنها] پر
^{۱۳} از چشم بود.
^{۱۴} و اولین جاندار شبیه شیر [بود] و دومین
^{۱۵} جاندار شبیه گوساله ای
^{۱۶} و سومین جاندار صورتی شبیه
^{۱۷} انسان [داشت] و چهارمین جاندار شبیه
^{۱۸} عقابی [بود] که پر رواز می کند.^p
^{۱۹} حرق ۱۲:۱۰
^{۲۰} اش ۲:۶

و صدائی که مثل شیپوری که اول شنیده
^{۲۱} بودم با من حرف زده می گفت:
^{۲۲} بدینجا بالا بیا، و آنچه بعد از این باید
^{۲۳} فرا رسد به تو نشان خواهم داد.
^{۲۴} هماندم در روح شدم.
^{۲۵} و آنگاه تختی در آسمان قرار داشت^k
^{۲۶} و روی این تخت [کسی] نشسته بود.
^{۲۷} و آن که نشسته بود منظره ای شبیه سنگ
^{۲۸} یشم و عقیق داشت.
^{۲۹} و دورادور تخت رنگین کمانی^۱ شبیه به
^{۳۰} منظره زمرد [بود].
^{۳۱} و دورادور تخت، بیست و چهار تخت
^{۳۲} [بود]
^{۳۳} و روی تخت ها بیست و چهار پیر^m
^{۳۴} نشسته، جامه های سفید در بر کرده بودند

- k- نویسنده که می خواهد از قدرت خلاقه خدا یاد کند مخصوصاً از رؤیاهای حرقیال استفاده می کند که با نماد و اشاره بیان شده است (بابهای ۱، ۱۰) و در آنجا ذکر شده خدا بر روی دنیائی که آفریده جلوس می کند.
- l- کلمه یونانی که رنگین کمان ترجمه شده به معنی هاله نورانی نیز آمده که دایره نورانی است که دور ماه دیده می شود یا گاهی تقاشان به دور سر مقدسان ترسیم می کنند. با توجه به این معنی بعضی از مفسران این عبارت را این گونه ترجمه می کنند: هاله شکوهمندی دورادور تخت را با پرتوهای زمزدین گرفته بود.
- m- سه علامتی که به پیران نسبت داده شده یعنی تخت، جامه سفید و تاج با آنچه به مسیحیان وعده داده شده تطبیق می کند (ر.ک ۲۱:۳:۵-۴:۳:۱۱). لذا این مجمع آسمانی به یک معنی مظهر و نماینده امت خدا به شمار می رود که در شکوهمندی او سهیم هستند و در اجرای پرستش و سپاسگزاری اول به خدا به عنوان آفرینشده خطاب می کنند (باب ۴) و سپس به بره که منجی و بازخرید کننده گناهان است (باب ۵). کلمه یونانی که در توصیف آنان ذکر شده و پیر ترجمه گشته همان واژه ای است که در مورد رؤسا و مسئولان اسرائیل و سپس مسئولان مسیحی و بالاخره در مورد مسئولان جمیعت های مسیحی بکار برده شده است.

تعداد پیران بیست و چهار تن است که ممکن است منظور بیست و چهار طبقه مسئولان امور مذهبی باشد (۱-۱۹:۳-۲۴:۱)، یا دوازده بیامبری که نماینده نبوت در عهد عتیق و دوازده رسول مسیح می باشند و یا اینکه منظور دوازده قبیله اسرائیل است که به آنها دوازده دیگر مربوط به امت جدید افزوده شده است. ولی نویسنده شخصیت این افراد را به قدری عمومی و کلی توصیف کرده که می توان دریافت چندان اهمیتی برای تعیین هویت دقیق ایشان قائل نبوده است.

- n- ر.ک مکا ۳:۴ توضیح g.

- o- ترجمه دیگر: به مانند دریائی شفاف شبیه بلور.

- p- پس از قدیس ایرنانوس اسقف لیون (قرن دوم میلادی) و در دنباله نظریات وی، در روایات مذهبی این چهار جاندار به عنوان نماد چهار انجیل نگار پذیرفته شده اند ولی مشکل بتوان قبول کرد که منظور نویسنده نیز همین بوده باشد زیرا در این رؤیا مستقیماً از کتاب حرقیال (باب ۱) الهام گرفته شده که در آنجا سخن از چهار جاندار می باشد که مظهر دنیای آفریده شده هستند و تخت خدا بر روی آنها قرار گرفته است.

عبر: ۱۴:۷
یو: ۱۲:۱۵

کتابی که درون و پشت آن نوشته شده
و با هفت مهر، مهر گردیده است.^۵
^۲ و فرشته ای نیرومند دیدم که به صدائی
بلند ندا می کرد:
چه کسی شایسته است کتاب را بگشاید
و مهرهایش را بشکند؟
^۳ و هیچ کس نه در آسمان، نه بر روی زمین
و نه در زیر زمین
نمی توانست کتاب را بگشاید یا به آن
نگاه کند.
^۴ و من شدیداً می گریستم زیرا کسی پیدا
نشده بود که شایسته گشودن کتاب یا
نگاه کردن به آن باشد.

^۵ و یکی از پیران به من گفت:

گریه مکن!
اینک شیر قبیله یهودا، از ریشه داود^۶
پیروزمند است؛
[وی] کتاب و هفت مهر آن را خواهد
گشود.

^۶ و دیدم در بین تخت و چهار جاندار

و در میان پیران،
بره ای ایستاده، همچون ذبح شده^۷
هفت شاخ و هفت چشم داشت که هفت

^۸ و هر یک از چهار جاندار شش بال دارد^۹:

و دورادور و در درون پُر از چشم هستند.
ash:۶ و روز و شب آرام ندارند و می گویند:
قدوس، قدوس، قدوس
خداآند خدا، قادر بر همه،
آنکه بود، و آنکه هست و
آنکه می آید!

^۹ و هر بار که این جانداران، آن تخت نشین
دان:۴:۲۷:۶

را که به روزگاران و روزگاران زنده است
تجلیل و تکریم و سپاس می گویند،
^{۱۰} بیست و چهار پیر در برابر آن تخت نشین
که به روزگاران و روزگاران زنده است
افتاده بوسه بر زمین می زند
وتاجهای خود را در جلو تخت [او]
انداخته می گویند:

^{۱۱} ای خداوند خدای ما، شایسته ای که
تجلیل و تکریم و قدرتمندی بیابی،
زیرا تو همه چیز را آفریدی، و همه به
اراده تو بوده و آفریده شده است^{۱۰}.

كتاب مهر شده و بره

^۱ دیدم بر [دست] راست
ash:۶ تخت نشین ۱۱:۲۶

۹- این نکته تأثیر رویائی است که در باب ششم کتاب اشیاعا ذکر شده چنانکه در آنجا (ash:۶:۳) سه بار اعلام قدوسیت خدا نیز ذکر شده است.

۱۰- ترجمه دیگر: تو خواسته بودی که همه چیز باشد و آنها آفریده شدن.

۱۱- تصویر کتاب از حرق: ۱۰-۹:۲ گرفته شده و آن را به چند طبقه می توان تفسیر کرد: ممکن است منظور کتابی باشد که جاوی مشیت های خداست. در این صورت به شکل وصیت نامه ای مهر شده است و مسیح اجرا کننده آن است زیرا کسی بجز او مهرها را نمی گشاید. بر طبق تفسیری که از قرن سوم میلادی پذیرفته شده منظور از این کتاب عهد عتیق می باشد و مسیح ظهر و تحقیق مندرجات آن است.

۱۲- در این دو نوع تفسیر، کتاب که به صورت طوماری به هم پیچیده است و درون و پشت آن نوشته شده نشانه آن است که مشیت خدا کامل و قطعی است و اکنون تحقیق می باید: یا اینکه طرز قرائت و درک جدید و معنوی عهد عتیق را نشان می دهد که مسیح آورده و غیر از قرائت ظاهری و مادی آن است (ر.ک ۲-قرن ۱۴:۳-۱۶).

۱۳- این عنوانهای مسیحی از پیدا ۹:۶ و اش:۱۱، ۱۰، ۱:۱۱ گرفته شده است.

۱۴- مفهوم این عبارت را باید به صورت ترکیبی از راز و قایع گذر درک کرد: بدین معنی که مسیح بر مرگ پیروز شده (بره ای ایستاده) و به وسیله فدا کردن خود (ذبح شده) غالب آمده است.

و تعدادشان آلاف الوف و هزاران هزار دان ۷:۱۰؛
عیر ۱۲:۲۲.

بود.
۱۲ [و] با صدای بلند می‌گفتند:
شایسته است بره ای که ذبح شده بود
قدرت و ثروت و حکمت
و قوت و حرمت و جلال و ستایش بیابد.
۱۳ و هر آفریده‌ای که در آسمان، و بر روی زمین و در زیر زمین و بر روی دریا [هستند]
و تمام آنچه در آنها هست
شنیدم که می‌گفتند:
بر تخت نشین و بر بره،
ستایش و حرمت و جلال و تسلط
به روزگاران و روزگاران باد!
۱۴ و چهار جاندار می‌گفتند:
«آمین!»
و پیران افتاده بوسه بر زمین زدند^{xx}.

گشودن شش مهر اول

۱ و دیدم هنگامی که بره یکی از حرق ۱۳:۱۲؛
۲۱-۱۳:۱۷:۵ از ار ۱۵:۲-۴.
۶ هفت مهر را گشود و شنیدم یکی از
چهار جاندار با صدائی همچون تندر
می‌گفت: بیا!
۲ و دیدم آنگاه اسبی سفید^x و کسی که بر

روح خدا هستند و به تمامی روی زمین
فرستاده شده‌اند.^۷

۷ و آمده و [کتاب را] از [دست] راست آن

تخت نشین گرفت.

۸ و وقتی کتاب را گرفت،

چهار جاندار و بیست و چهار پیر در برابر
مز ۲:۱۴۱ بره افتادند

و هر یک چنگی و جامه‌ائی زرین پُراز

بخور داشت

که نیایشهای قدیسان هستند.

۹ و سرودی نو^w خوانده می‌گویند:
اش ۱۰:۴۲ مز ۳:۳۳ تو شایسته‌ای که کتاب را گرفته

مهرهایش را بگشائی

زیرا ذبح شدی

۴:۱۴ و برای خدا با خون خود

هر قبیله و [هر] زبان و [هر] قوم و
[هر] امت را خردی،

۱۰ و [تو] ایشان را برای خدای ما

خروج ۱۶:۶؛
اشن ۱۶:۶

سلطنت و کاهنان کرده‌ای
که بر روی زمین فرمانروائی خواهند
کرد.

۱۱ و دیدم و صدای فرشتگان زیادی را

شنیدم که گردآگرد تخت بودند و

جانداران و پیران

تصویر مسیح به عنوان بره از تصاویری است که بارها در مکافه آمده و مربوط به اظهارات پیامبرانه اش ۷:۵۳ و احتمالاً تصویر
بره عید گذر است که در خروج ۶-۳:۲ ذکر شده است.

۷- شاخ‌ها نشانه و سمبل قدرت هستند (مثلًا ر. ک. تث ۱:۲۳؛ دان ۷:۷؛ ۷:۷؛ ۲۴). تصویر هفت چشم از زک ۴:۱ گرفته شده و در
آنچه به معنی حکمت و معرفت کامل خدا است. تشییه و تطابق هفت چشم به هفت روح احتمالات تحت تاثیر اش ۲:۱۱ می‌باشد
که گفته شده مسیح موعد هفت روح یعنی تمامیت روح القدس را دارد.

W. ر. ک. مکا ۱۷:۲ توضیح ۵.

XX- در پرخی نسخه‌ها، عباراتی افزون تر دارد.

X- کاملاً روش است که رؤیای چهار سوار از زک ۸:۱-۸:۶ الهام گرفته است. مجموعه تفسیرهایی که در مورد سوار اولی شده
می‌توان به دو طبقه تقسیم کرد: ۱) با توجه به مشابهت چهار سوار، چون دومین سوار جنگ و ویرانی، سومین سوار مظہر قحطی
و چهارمین سوار نشانه بیماریهای مسری همه گیر است بنا بر این سوار اول هم باید مظہر بلا و مصیبیتی مثل روحیه کشورگشائی و
هجوم بشمار آید (یا اینکه واقعاً اشاره به هجوم پارتها در قرن اول میلادی است که جنگجویان و تیراندازان ورزیده‌ای

بیا!
^۱ و دیدم و اینک اسپی پریده رنگ و آنکه
 بر آن سوار بود طاعون^{yy} نام داشت و
 دوزخ^z به همراه او بود.
 به آنان اقتدار بر رُبع زمین داده شد
 تا با شمشیر و با قحطی و با مرگ و با حرق^{۲۱:۱۴}
 وحشی زمین بگشند.

و هنگامی که مهر پنجم را گشود در زیر
 قربانگاه جانهای کسانی را دیدم^۳ که به^{۴:۲۰}
 سبب کلام خدا و به سبب گواهی که داده
 بودند ذبح شده بودند.
^۵ و با صدای بلند فرباد برآورده می‌گفتند:
 ای فرمانروای قدوس و حقیقی،
 تا به کی داوری نمی‌کنی
 و انتقام خون ما را از ساکنان روی
 زمین نمی‌گیری؟
^{۱۱} و به هر یک از آنان جامه‌ای سفید داده^{۳-۱:۱۴}
 شد
 و به آنان گفته شد که باز هم کمی آرام
 بگیرند
 تا تعدادشان کامل شود و همقطاران
 بردگی ایشان و برادرانشان

آن سوار بود کمانی داشت و به او تاجی
 داده شد
 و او پیروزمند بیرون آمد تا پیروزی یابد.
^۳ و هنگامی که مهر دوم را گشود شنیدم که
 دومین جاندار می‌گفت: بیا!
^۴ و اسب دیگری، سرخ [آتشین]^۵ بیرون
 آمد،
 و به آنکه سوار بود داده شد^{XXX} تا صلح
 را از زمین برگیرد و تا یکدیگر را سر
 ببرند^۶ لوط^{۷:۱۸}
 و به او شمشیری بزرگ داده شد.
^۵ و هنگامی که مهر سوم را گشود، شنیدم که
 سومین جاندار می‌گفت: بیا!
 و دیدم آنگاه اسپی سیاه و آنکه بر آن
 سوار بود ترازوئی به دست خود داشت.
^۶ و شنیدم در میان چهار جاندار همچون
 صدائی که می‌گفت:
^۷ مُشتی لا گندم به یک دینار! و سه مشت
 حرق^{۴:۱۶} جو به یک دینار!
 و هیچ آسیبی به روغن و شراب مرسان.
^۷ و هنگامی که مهر چهارم را گشود، صدای
 چهارمین جاندار را شنیدم که می‌گفت:

بودند). ۲) در تفسیرهای دیگر به مشخصات مخصوص سوار اول یعنی رنگ سفید، تاج و پیروزی توجه شده که با سوار
 آسمانی در مکا^{۱۹:۱۱} و آیات بعدی مشابه است و لذا تصویری کنند منظور از سوار مذکور خود مسیح یا قدرت پیام انجیل یا
 مظہر داویهای الهی است. ضمناً در یکی از تفسیرهای نوع اول با توجه به مشخصات سوار اول، وی را یک مسیح دروغی تصویر
 می‌کنند که آمدن او را مسیح اعلام کرده است (ر. ک مت^{۴:۴-۵}). به هر صورت چهار سوار مذکور مظہر و نشانه دوران ایام
 آخر هستند (ر. ک مت^{۲:۶-۷} و متن متوالی در انجیل نظری).

[یعنی توانائی داده شد].

۳- این مقیاس، البته تقریبی است؛ در اصل، حدود یک لتر.

yy- ترجمه دیگر؛ به آنها دست نزن. منظور بالا رفتن قیمت حبوبات به سبب قحطی است ولی روغن و شراب (موقعنا)^a از این
 افزایش قیمت معاف هستند. شاید بدین سبب که مظہر نعمت‌های ایام آخر هستند یا اینکه قحطی فقط به محصولات یک
 فصل آسیب می‌رساند.

yyy- تحتالنقطی: مرگ. گاهی این کلمه را نظیر متن بالاطاعون ترجمه می‌کنند که عامل مرگ می‌باشد.]

z- ر. ک ۱۸:۱ توضیح.^a

- این افراد شهیدان مسیحیت هستند و در زیر قربانگاه جای دارند که محیطی مقدس و کاملاً نزدیک به خدا است، بنابراین
 مرگ ایشان نیز به ذبح شدن تشبیه شده که نظیر ذبح شدن مسیح است.

و از خشم بره پنهان کنید.

^{۱۷} زیرا روز بزرگ خشم ^c ایشان فرار سیده
و کی می تواند پایداری کند؟
یول ۱، ۱۱:۲
۲:۳
۲۳:۳
مال ۲:۲

کلیسا، ملت خدا

^۱ پس از آن چهار فرشته دیدم که در

۷

چهار گوشۀ زمین ایستاده
چهار باد زمین را نگه می داشتند
تا بادی نه بر روی زمین، نه بر روی دریا
و نه بر هر درختی نوزد.

^۲ و فرشته دیگری دیدم که از مطلع خورشید
با مهر ^f خدای زنده بالا می آمد

و به چهار فرشته ای که [افتدار] یافته
بودند تا به زمین و دریا آسیب برسانند
با صدائی بلند فریاد برآورده می گفت:

^۳ به زمین آسیبی نرسانید، نه به دریا، نه به
درختان،
۴:۲۲
۱۲:۳
۶:۹
۴:۹

تا بردگان خدای خود را بر روی پیشانی
ایشان مهر بزنیم.

^۴ و شنیدم تعداد مهر شدگان را
صد و چهل و چهار هزار ^g مهر شدند
۳، ۱۱:۱۴
۲۹:۲۴

از هر قبیله پسران اسرائیل.

b- این تصاویر و تصاویر بعدی از توصیف به لرژه درآمدن جهان در پایان روزگار گرفته شده است (مثالاً ک مت ۲۹:۲۴ و مترون متوازی).

c- ترجمه دیگر: همچون میوه های نارس درخت انجیری که تن بادی بر آن بوزد.

d- اشاره به کتابهای است که بر روی طومارهای از پوست حیوانات نوشته شده و پس از خواندن آنها را پیچیده لوله می کردند.
در اینجا آسمان به چادری تشبیه شده که بر فراز دنیا زمینی گسترده شده باشد (ر. ک پید ۱:۷).

e- در نوشته های عهد عتیق روز خشم به مفهوم دخالت دادگرانه نهائی خدا است (ر. ک مز ۱۱:۵؛ حرق ۹-۱:۷؛ صفحه ۳-۲:۲).
این اصطلاح در عهد جدید نیز به کار برده شده است (ر. ک روم ۵:۲).

f- در تشریح این صحفه از باب ۵ حزقيال الهمگ گرفته شده است.
در اینجا مهر را می توان به عنوان نشانه مالکیت به شمار آورد (بدین معنی کسانی که مهر زده شده اند متعلق به خدا هستند) یا
اینکه مهر نشانه نجات است (چنانکه در باب ۹ حزقيال کسانی را که مهر زده شده اند خدا محافظت می نماید).
ضمناً این دو جنبه مهر منافقی یکدیگر نیستند (از قرن دوم میلادی این نکته تایید شده و شاید در ۲-قرن ۱:۱۰-۹ یادآوری شده
است) که کلمه مهر در مورد تعجب بکار برده شود.

g- تعداد ۱۴۴۰۰۰ نفر بر مبنای دوازده هزار برای هر یک از قبایل یهود حساب شده و نشانه تمامی قوم خدا است.
فهرست اسامی قبایل و تعداد افرادی که در آیات ۵ الی ۸ ذکر شده میکن است منظور یهودیانی باشد که به مسیحیت گرویده
بودند و آنان را از جمیعت عظیم میسیحیانی که قبلاً مشرک بوده اند تمایز می سازد (آیات ۱۰-۹) ولی ظاهراً منظور کلیه قوم

به مانند ایشان نیز کشته شوند.

^{۱۲} و دیدم هنگامی که مهر ششم را گشود، و
زلزله ای عظیم روی داد

^a اش ۱۳:۱۰؛ ^b ۳:۵
و خورشید به مانند کیسه ای موئین سیاه
شد

و تمام ماه همچون خون گشت.

^{۱۳} و ستارگان آسمان بر روی زمین افتادند،
همچون درخت انجیری که [چون] به

^c اش ۴:۳۴
^d مکا ۱۶:۲۰؛ ^e عرب ۱:۱۲؛ ^f ۱۱:۲
تکان بادی عظیم میوه های نارس خود را
[به زمین] می ریند.

^{۱۴} و آسمان همچون طوماری که پیچیده
شد ^d به کنار رفت

و هر کوه و جزیره ای از جای خود جابجا
شد.

^{۱۵} و پادشاهان زمین و بزرگان و سپهسالاران
و ثروتمندان و قدرتمندان

و هر برده و آزاد [مردی]

^{۱۶} اش ۱۹، ۱۰:۲
خود را در غارها و صخره های کوهها
پنهان کردند.

^{۱۷} و به کوهها و صخره های می گویند:
بر روی ما بیفتید و ما را از [مقابل]

^g هو ۳۰:۲۲

لو روی تخت نشین

نشسته و از بره است.

^{۱۱} و همهٔ فرشتگان و پیران و چهار جاندار
گردآگرد تخت ایستاده بودند
و در مقابل تخت به روی هایشان
افتاده
در برابر خدا بوسه بر زمین زدند.
^{۱۲} [در حالی که] می‌گفتند:

آمین! ستایش و جلال و حکمت و
سپاسگزاری و حرمت و قدرت و قوت
بر خدای ما باد به روزگاران و
روزگاران! آمین!

^{۱۳} و یکی از پیران به سخن درآمده مرا گفت:
آن که جامهٔ سفید بر تن دارند کیستند
و از کجا آمده‌اند؟

^{۱۴} و من به او گفتم: ای سرور منⁱⁱ، تو
می‌دانی!

و به من گفت: اینان کسانی هستند که از
مصيبت عظیم^۱ می‌آيد
و جامه‌های خود را شسته آنها را در خون
بره سفید کرده‌اند.

^{۱۵} بدین سبب در برابر تخت خدا هستند و
روز و شب در قدس او، وی را پرستش
می‌کنند

^۵ از قبیلهٔ یهودا دوازده هزار مُهر شده بودند،

از قبیلهٔ رُؤبین دوازده هزار،

از قبیلهٔ جاد دوازده هزار،

^۶ از قبیلهٔ آشیر دوازده هزار،

از قبیلهٔ نفتالی دوازده هزار،

از قبیلهٔ منسى دوازده هزار،

^۷ از قبیلهٔ شمعون دوازده هزار،

از قبیلهٔ لاوی دوازده هزار،

از قبیلهٔ يساکار دوازده هزار،

^۸ از قبیلهٔ زبولون دوازده هزار،

از قبیلهٔ یوسف دوازده هزار،

از قبیلهٔ بنیامین دوازده هزار مُهر شده

بودند.^h

کلیسا، انبوه برگزیدگان

^۹ پس از آن و اینک جمعیتی بسیار دیدم،
از همهٔ امت‌ها و قبیلهٔ ها و اقوام و زبانها
که هیچ کس نمی‌توانست بشمارد،
در مقابل تخت و در مقابل بره ایستاده،
جامه‌های سفید دربر، و شاخه‌های نخل
در دست ایشان^۱،

^{۱۰} و با صدای بلند فریاد برآورده می‌گفتند:
نجات از خدای ما است که بر تخت

خداست که در ابتدا برطبق اسرائیل که در سینا بوده‌اند ذکر شده و سپس به صورت تحقق تمامیت آسمانی و شکوهمند آن منظور گردیده است.

^h- در ذکر اسامی قبیل یهود مشاهده می‌شود: ۱) مقام اول به قبیلهٔ یهودا اختصاص دارد که قبیلهٔ مسیح است (ر. ک پید:۴۹:۹، ۱:۱۰؛ مکا:۵:۵). ۲) نام قبیلهٔ دان ذکر نشده زیرا عدم وفاداری آن قبیلهٔ ذکر گشته است (داور:۱۸). نام این قبیلهٔ در ۱-توا:۸:۸ نیز نیامده است). بنابر یکی از روایات یهود که ایرناآوس، مؤلف مسیحی قرن دوم میلادی نیز آن را ذکر کرده قبیلهٔ دان با شیطان یا مسیح دروغی ارتباط و بستگی دارد، با این همه تعداد قبایل یهود ۱۲ قبیلهٔ ذکر شده زیرا نام قبیلهٔ منسی که معمولاً جزو تبار یوسف به شمار می‌آمد به قبایل دیگر افزوده شده است.

ⁱ- مسلمًا اشاره به مراسم مذهبی عبد خیمه‌های یهودیان است که مردم به ترتیب و به ردیف به محبوّه معبد وارد می‌شدند در حالی که شاخه‌های نخل بددست داشته آنها را تکان می‌دادند و مزمور ۱۱۸ را با آواز ترتم می‌کردند. در آیه ۲۵ همین مزمور، این نیایش وجود دارد: ما را اکنون نجات بده (هوشیاعنا)! و شاید محتوای آیه مکا:۷: ۱۰ پاسخی به این نیایش است.

ⁱⁱ- [تحتاللنظی: ای خداوند من!]

^j- منظور از این مصیبত عظیم وقایع پایان روزگار است (ر. ک دان:۱۲: ۲۱:۲۴؛ مت: ۱۳:۱۹؛ مکا:۱۰: ۱۰) و آزار و شکنجه هائی که بر مسیحیان فرامی‌رسد نمودی از آن است.

و آن تخت نشین خیمه خود را^k بر ایشان
بر پا خواهد کرد.
با نیایشهای مقدسین،
از دست فرشته به حضور خدا بلند شد.
و فرشته مجمر را گرفته^۵
و آن را از آتش قربانگاه پر کرد و بر لاؤ^{۲:۱۶} حرق^{۲:۱۰}
روی زمین افکند و تندرها و صداها و
آذرخشها و زلزله ها روی داد.

۱۶ دیگر گرسنه نخواهند بود،
دیگر تشنه نخواهند شد،
دیگر آفتاب بر رویشان نخواهد افتاد و
نه هیچ گرمای سوزانی،
۱۷ زیرا بره که در وسط تخت است ایشان را
خواهد چرانید

اش ۱:۴۹:۱۰:۴۹
مکا ۴:۳:۲۱:۲:۲۳
دیگر تشنه نخواهند شد،
دیگر آفتاب بر رویشان نخواهد افتاد و
نه هیچ گرمای سوزانی،
۱۷ زیرا بره که در وسط تخت است ایشان را
خواهد چرانید

اش ۱:۴۰:۱۱:۱۲:۲۱
حرق ۳:۳۴:۲۳
و ایشان را به سوی چشمehای آب
زندگی رهبری خواهد کرد
و خدا هر اشکی را از چشمانشان خواهد
سترد.

گشودن مهر هفتم

۱ و وقتی که مهر هفتم را گشود،
در حدود نیم ساعت در آسمان
سکوت شد.

۳ و هفت فرشته ای را که در حضور خدا
می ایستند دیدم
و به ایشان هفت شیپور داده شد.
۳ و فرشته دیگری با مجمری زرین آمده
نزدیک قربانگاه ایستاد
و به او بخورهای بسیار داده شد
تا با نیایشهای همه مقدسین
بر قربانگاه زرین که در مقابل تخت
است تقدیم شود.^۱

شش شیپور اول
۶ و هفت فرشته ای که هفت شیپور داشتند
خود را آماده شیپور زدن کردند.^m
۷ و اولین [فرشته] شیپور زد و تگرگ و خروج^{۳:۹-۲۳:۹} بول^{۴:۲۶-۲۶:۲۶}
آتش آمیخته به خون رسید که بر روی
زمین ریخته شد
و یک سوم زمین سوخته شد
و یک سوم درختان سوخته شد
و هر گیاه سبزی سوخته شد.
۸ و دومین فرشته شیپور زد
و [چیزی] شبیه کوهی بزرگ که آتش ار^{۲۵:۵۱}
گرفته باشد به دریا افکنده شد
و یک سوم دریا خون شد.
۹ و یک سوم آفریدگانی که در دریا بودند و
جان داشتند مردند
و یک سوم کشتی ها تباہ شدند.
۱۰ و فرشته سوم شیپور زد
و از آسمان ستاره ای بزرگ که همچون اش^{۱۲:۱۴}

- در مدت جشن خیمه ها (ر.ک ۹:۷ توضیحⁱ) قوم یهود در زیر چادرها به سر می بردند. از این پس برگردگان به زیر خیمه خدا وارد خواهند شد.
۱- در آئین پرستش یهود مقرر بود که قربانگاهی برای تقدیم مواد معطر (بخور، کندر) در معبد وجود داشته باشد. مراسم تقدیم مربوطه به زودی جنبه روحانی گرفت و بخور و کندر را نماد و نشانه نیایش به شمار می آوردند (ر.ک ۲:۱۴۱). در آئین نیایش آسمانی، نیایشهای مقدسین (نیایشهای ایمانداران در مکا^{۵:۸} و نیایشهای شهیدان در مکا^{۶:۱۰}) به صورت مواد معطر تقدیم می شود.

- بلاهایی که با نواختن شیپورها ایجاد می شوند همان بلاهایی است که در مصر بوجود آمد ولی در اینجا شدیدتر است: تگرگ (آیه ۷)، تبدیل آب به خون (آیه ۸)، آبهای تلغ و زهرآلود (آیه ۱۱)، ظلمات (آیه ۱۲)، ملغ ها (آیه ۱۳)، ملغ ها (آیه ۱۴). ر.ک مکا ۱:۱۶ توضیح^a.

زمین داده شد.

^۴ و به ایشان گفته شد که نه به گیاه زمین،
نه به هیچ سبزی، نه به هیچ درخت آسیب
نرسانند مگر به مردمانی که مهر خدا بر
پیشانی ندارند.

^۵ و به ایشان [دستور] داده شد آنان را
نکشد بلکه پنج ماه شکنجه دهند؛
و شکنجه ایشان به مانند شکنجه کردم
است وقتی که انسانی را بگزد.^۹

^۶ و در آن روزها انسان‌ها در جستجوی ایوب^{۲۱:۳}
مرگ خواهند بود و آن را نخواهند یافت
و آرزوی مُردن خواهند کرد و مرگ از
ایشان فرار می‌کند.

^۷ و شباهت ملخ‌ها به مانند اسبانی است که بول^{۴:۲}
برای جنگ آماده شده باشند
و بر سرها ایشان همچون تاجهای شبهی
طلاست و صورت‌های ایشان به مانند
صورت آدمیان،

^۸ و موهائی به مانند موهای زنان داشتند
و دندانهای ایشان مانند [دندانهای] شیران^{یو ۶:۱}
بود،

^۹ و سینه پوش‌هایی همچون جوشن‌های
آهنهای داشتند
و صدای بالهای ایشان همچون صدای
ارابه‌هایی با اسبان بسیار که به جنگ^{یو ۵:۲}
بازند.

^{۱۰} و دُم‌هایی به مانند کژدم‌ها و نیش‌ها
دارند

مشعلی می‌سوخت فرو افتاد

و بر روی یک سوم رودخانه‌ها و
چشم‌های آب افتاد.

^{۱۱} ار ۱۴:۹ و نام ستاره افسنتینⁿ گفته می‌شود،
و یک سوم آبها افسنتین شد
و بسیاری از مردمان از این آبها مردند
زیرا تلخⁿⁿ شده بودند.

^{۱۲} و فرشته چهارم شیپور زد
خروج ۱۰:۲۳-۲۱:۲۳ و یک سوم خورشید و یک سوم ماه و یک
سوم ستارگان صدمه دیدند به طوری که
یک سوم آنها تاریک شد و یک سوم روز
بی نور شد و شب همینظر.

^{۱۳} ۶:۱۴ و دیدم و شنیدم عقابی که در اوج آسمان
در حال پرواز با صدای بلند می‌گفت:
^{۱۴} ۱۲:۹ وای، وای، وای بر آنان که بر روی زمین
سکونت دارند، به سبب دیگر صدای
شیپور سه فرشته که باید شیپور بزنند!

^۱ و فرشته پنجم شیپور زد

^۹ اش ۱۲:۱۴ و ستاره‌ای دیدم که از آسمان بر
روی زمین افتاد

^۰ و کلید چاه‌های^P به او داده شد،

^۲ ۱۸:۱۹ و از چاه دودی به مانند کوره‌ای عظیم
برآمد و خورشید و هوا به وسیله دود چاه
تاریک شد.

^۳ ۱۲:۱۹:۲۸ و از دود ملخ‌هایی بر روی زمین خارج شدند
خروج ۱۰:۱۲:۱۵، ۱۱:۱۵:۱۰ و به آنان اقتداری نظری اقتدار کژدمان

n- افسنتین با افسنتین گیاهی معطر است [که به فارسی خاراگوش می‌نامند] و از آن ماده‌ای تلخ و سمی می‌گیرند.

nn- [این کلمه را می‌توان ترکیش یا گیس ترجمه کرد].

۵- این تصویر بارها در نوشته‌های مکاشفه‌ای یهود برای نشان دادن سقوط فرشتگان به کار رفته است (ر.ک مثلاً ۱-خونخ؛ همچنین ر.ک مکا ۴:۱۲).

p- جائی که قدرت‌های شیطانی موقتاً زندانی هستند (ر.ک مکا ۱۱:۷؛ ۱۷:۸؛ ۲۰:۱؛ ۲۰:۸؛ ۳۱:۳).

q- ترجمه دیگر؛ و شکنجه‌ای که ایجاد می‌شود همچون شکنجه کسی است که اورا کزدمی بگزد.

بیرون می‌آید.

^{۱۸} از این سه بلا، یک سوم انسان‌ها به وسیله آتش و دود و گوگردی که از دهان آنها بیرون می‌آمد کشته شدند.

^{۱۹} زیرا توانایی اسباب در دهانشان و در دمšان است،

زیرا دمšان به مانند مارهاست که سرها دارند و به وسیله آنها آسیب می‌رسانند.

^{۲۰} و بقیه انسان‌ها که در این بلاها کشته شدند از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا اش

^{۲۱} دیگر به دیوها و بتهای زین و سیمین و دان^{۴:۵} مفرغی و سنگی و چوبی که نه توانایی^{۱۷:۱۵-۱۳:۵}

دیدن دارند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند سجده نمایند.

^{۲۲} و از جنایتهای خود، نه از جادوگریهای خود، نه از بی عفتی‌های خود و نه از دزدیهای خود توبه نکردند.

فرشته و کتابچه

^{۱۰} ^۱ فرشته نیرومند دیگری دیدم که از آسمان پائین می‌آمد،

پوشیده از ابر،

ورنگین کمان بر روی سرش^۴ و صورتش همچون خورشید

و در دم‌هایشان آنها توانائی دارند که

پنج ماه به انسان‌ها صدمه بزنند.

^{۱۱} بر خود پادشاهی دارند که فرشته‌هایه است؛ نام او به عبری آبدون و به یونانی اپلیون است.^۵

^{۱۲} اولین وای^۶ گذشته است: اینک دو وای دیگر پس از این می‌آید.^۷

^{۱۳} و فرشته ششم شیبور زد و صدائی شنیدم که از چهار شاخ قربانگاه

زرین که در حضور خداست [می‌آید]^۸،

^{۱۴} و به فرشته ششم که شیپور داشت می‌گفت:

چهار فرشته ای را که روی رودخانه بزرگ فرات در بند هستند رها کن.

^{۱۵} و چهار فرشته ای که برای ساعت و روز و ماه و سال آماده شده بودند تا یک سوم انسان‌ها را بکشند رها شدند.

^{۱۶} و تعداد جنگاوران سواره دو ده هزار ده

هزار بود که شماره ایشان را شنیدم.

^{۱۷} و در روی اسباب و کسانی را که بر آنها سوار بودند دیدم:

جوشن‌های آتشین و یاقوت فام و گوگردی داشتند و سرهای اسباب به مانند سرهای شیران

[بود] و از دهانشان آتش و دود و گوگرد

- این ملخ‌ها (ر. ک مکا:۸:۶ توضیح m) فقط یک پدیده طبیعی ساده نیستند و با اینکه خیلی ویرانگر و مضرنند با این همه به صراحت قید شده که نیروهای جهنمی هستند. رئیس آنان نامی عبری دارد: ابدون که به معنی ویرانی و تباہی است. در آین یهودی مؤخر بر کتاب مقدس (ر. ک ایوب:۶:۲۶) این کلمه گاهی مرادف با هاویه، جایگاه مردگان است. کلمه یونانی اپلیون به معنی ویرانگر است بنابراین در ترجمه از عبری به یونانی کاملاً تطبیق نمی‌کند (زیرا در زبان عبری اسم عام است و در ترجمه یونانی یک صفت فاعلی آمده است). ولی شاید مخصوصاً ترجمه تعریفی شده است زیرا کلمه اپلیون، رب التّوع بزرگ یونانی اپلولون را به یاد می‌آورد.

- وای که در این آیه آمده کلمه‌ای یونانی و به معنی افسوس است. گاهی بدیختی یا بلا ترجمه می‌شود.

- اینها سه بدیختی و بلائی هستند که در ۱۳:۸ اعلام شده است.

- ر. ک مکا:۳:۴ توضیح t.

که دیگر مهلتی نخواهد بود،
^۷ بلکه در روزهای صدای فرشته هفتم، روم ۱۶:۲۵؛ فرن ۱:۷-۲؛ هنگامی که شیپور زدن آغاز کند، آنگاه افس ۹:۱؛ ادامه: راز خدا انجام می‌شود به همان گونه که راز ۹:۳؛ کول ۱:۶-۲؛ ۲:۲-۲؛ ۳:۴؛ ۷:۳؛ ۱۰:۶؛ زک ۱:۶؛ مکا ۱:۱۱

و صدائی که از آسمان شنیده بودم از نو با من به سخن درآمده می‌گوید:
 برو، کتاب گشوده در دست فرشته‌ای که بر روی دریا و زمین ایستاده است، بگیر.
^۹ و من به سوی فرشته رفتم و به او گفتمن کتابچه را به من بدهد.
 و او به من گفت: بگیر و آن را بخور و شکم تورا تلخ^{XX} خواهد کرد ولی در دهان همچون انگبین شیرین خواهد بود.
^{۱۰} و من کتابچه را از دست فرشته گرفتم و آن را خوردم و در دهان همچون انگبین شیرین بود حرق ۳:۳
 ولی وقتی آن را خوردم شکم تلخ شد.
^{۱۱} و به من گفته شد: تو باید دوباره [درباره] اقوام و امت‌ها ار ۱:۱۰

و زبان‌ها و پادشاهان بسیار، نبوت کنی.

و پاهاش همچون ستونهای آتشین بود.
^۲ و در دستش کتابچه‌ای گشوده داشت^{۱۱} و پای راست خود را بر روی دریا و [پای] چپ خود را بر روی زمین گذاشت،
^۳ و با صدای بلند فریاد برآورد همچون هو ۱۱:۱۰؛ آ:۸؛ ۳:۸؛ شیری که می‌غرد.
 و چون فریاد کشید هفت تندر صدای مز ۲:۲۹ خود را برآوردند.^۷
^۴ و چون هفت تندر صدا برآوردند در شرف نوشتن بودم:
 و صدائی از آسمان شنیدم که می‌گفت: آنچه را هفت تندر گفته اند مهر کن^W و آنها را نتویس.
^۵ و فرشته‌ای را که دیده بودم بر روی دریا و زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد^X
^۶ و سوگند خورد به آن که به روزگاران و روزگاران زنده است، آنکه آسمان و آنچه را در آن است و زمین و آنچه را در آن است و دریا و آنچه را در آن است آفریده

۱۱- این تصویر به مانند تصویر «کتاب مهر شده» (مکا ۵:۱-۲) از رؤیای حرق ۲:۳-۸:۲ می‌آید با این تفاوت که در اینجا کتابی کوچک است (کلمه یونانی که در این مورد بکار برد شده دو شانه تصمیر دارد) و بیناین کتابی محدود است؛ ضمناً کتابچه گشوده شده و نشان می‌دهد فرارسیدن مکاشفه آن نزدیک است.

۷- در عهد عتیق همین تصاویر بارها در مورد خدا بکار برد شده است (غیرش شیر در عا ۳:۲؛ ۸:۸؛ تندر در مز ۹:۳-۲). پیام هفت تندر که از منش پرتو و والا است موقعیاً به آدمیان ابلاغ نمی‌شود.

W- ترجمه دیگر: پنهان نگهدار. مدرکی که مهر شده برای آن است که شایع نشود. ضمناً موضوع پنهان نگهداشتن نزدیک به دان ۴:۱۲ است.

X- در تشریح این صحنه از دان ۱۲:۷ الهام گرفته شده است.

[۱۱:۸-۱۱:۸] توضیح nn.

Y- ر. ک حرق ۳:۳. در اینجا دو جنبه سخن خدا نشان داده شده است. ولی به چه سبب سخن خدا شیرین و از چه جهت تلخ است؟ فرضیه‌های مختلفی پیشنهاد شده که در پذیرفتن هر یک می‌توان تردید کرد. مثلاً: دریافت کردن سخن خدا شیرین است و وظیفه مأموریت بردن این کلام، دشوار و تلخ است: شیرینی اعلام نجات و تلخی اعلام داوری؛ شیرینی اعلام برگزیده شدن و تلخی اعلام آزار و شکجه‌ای که در بی دارد.

روزهای نبوت ایشان باران نبارد
و برآها اقتدار دارند که آنها را به خون خروج
تبديل کنند

و بر روی زمین هرگونه بلایی و هر چند ۱-سمو ۸:۴
بار که بخواهند وارد سازند.

و هنگامی که شهادت خود را به پایان
رسانند آن حیوان که از هاویه بالا
می‌آید با آنان جنگ خواهد کرد و بر
آنان غلبه یافته و آنان را خواهد کشت.

و جسد ایشان در میدان شهر بزرگ باشد
که به لحاظ روحانی، سدهم و هصر نامیده
می‌شود^c، در همان جایی که خداوند
ایشان مصلوب شده است^d.

و از اقوام و قبایل و زبانها و امت ها سه
روز و نیم جسد ایشان را نگاه می‌کنند و
نمی‌گذارند جسد های ایشان در قبری
گذاشته شود.

و آنان که بر روی زمین سکونت دارند
به سبب ایشان شادمانند و خوشحالی
می‌کنند و برای یکدیگر هدیه ها
می‌فرستند زیرا این دو نبی ساکنان روی
زمین را شکنجه کرده اند.

دو شاهد ^{دو شاهد}
 ۱۱ ^{۱۱} و به من یک نی شبیه چوبدستی
 داده و گفته شد:
 برخیز و قدس خدا، قربانگاه و کسانی را
 که در آنجا بر زمین بوسه می زنند
 اندازه بگیر ^{ZZ}.
 ۲ ^۲ و صحن خارج قدس را کنار بگذار و آن
 را اندازه نگیر زیرا به امت ها داده شده
 است و شهر مقدس را چهل و دو ماه ^a
 لگدمال خواهد کرد.
 ۳ ^۳ و من به دو شاهد ^b خود که پلاس
 می یوشند خواهم داد و هزار و دویست و
 شصت روز پیامبری خواهد کرد.
 ۴ ^۴ اینان دو درخت زیتون و دو شمعدان
 هستند که در مقابل خداوند زمین
 ایستاده اند.
 ۵ ^۵ و اگر کسی بخواهد به ایشان آسیب
 برساند، آتشی از دهانشان بیرون می آید
 و دشمنانشان را فرو می برد
 و اگر کسی می خواست به ایشان آسیب
 برساند بدین گونه باید او کشته می شد.
 ۶ ^۶ آنان اقتدار دارند آسمان را بینند تا در

حرق: ۴۰:۳؛ ۲:۳؛ ۵:۶؛
 مکا: ۱۵:۱؛ ۲:۱؛ ۳:۱؛ ۶:۱؛ ۱۲:۶؛
 دان: ۷:۷؛ ۲:۵؛ ۱:۷؛
 مکا: ۱۱:۳؛ ۱۲:۶؛ ۱۳:۵؛ ۲۱:۲؛
 لو: ۲:۱

ZZ- در اینجا دو جنبه اورشلیم را نمی‌شود: از یک طرف «شهر مقدس» و نوعی کلیسا است و قسمتی از شهر است که مختص به معبد می‌باشد و از سوی دیگر اورشلیم زمینی است که پیامبران را کشته و مسیح را مصلوب کرده است. اورشلیم زمینی، تصویر دنیا است که خدا را نمی‌پذیرد.

۴۲- مدت ۴۲ ماه همان دوران نمادین و نوعی است که از دان:۷:۱۲ و دان:۷:۱۵ گرفته شده. در کتاب دانیال مدت سال و نیم دورانی است که آنتیوخوس اپیفان، یهودیان را آزار و شکنجه می نمود. در آیات بعدی مدت سال و نیم، چهل و دو ماه یا ۱۲۶۰ روز به عنوان دوران آزمون پایان روزگار و دوران کلیسا بر روی زمین تعیین می شود (ر.ک مکا:۱۱:۳؛ دن:۲:۶؛ ۱۴:۱۳).

b- توصیفی که در آیات ۴-۳ از این دو شاهد شده از زک ۲-۴ الهام گرفته است. یهودیان متن کتاب زکریا را به شخصیت های مهم دوران مسیحیان مربوط می دانستند. در اینجا ظاهراً منظور کلیسا است و شهادت ایالیس و موسی (آیه ۶) و شهادت مسیح که در آور شلمی مصلوب شده و از میان مردگان رخاست خلاصه شده است (آیات ۷-۱۲).

^۵- در نوشته های عهد تدقیق چندین بار سودم به عنوان شهر هزه و بی بند و بار ذکر شده (ر. ک تث ۲۳:۲۹؛ ۳۲:۳۲؛ اش ۶:۱-۳)؛ ارج ۱۴:۲۳؛ حرق ۱۶:۴۶)؛ مقص مظہر قدرتہای بت پرست و دشمن قوم خدا است (ر. ک خروج ۱۴:۱۳؛ اش ۱:۹-۳)؛ ارج ۱۴:۲۳؛ حرق ۱۶:۴۶).

د- او شلمه که بامن این و مسیح را به قتال سانیده به عنوان مذکور ایمانیز، و بر وفای راه توصیف شده است.

d- اورشلیم کے پیامبران و مسیح را به قتل رسانیده به عنوان مرکز بی ایمانی و بی وفایی توصیف شده است.

۱۶ و بیست و چهار پیر که در مقابل خدا بر روی تخت های خود نشسته اند به صورت ^{۴:۴}_{۱۰:۷} های خود درافتاده و در برابر خدا زمین را بوسیده می گفتند:

۱۷ تو را سپاگزاریم ای خداوند، خدای قادر بر همه، آنکه هست و آنکه بود ^{۴:۱}_{۸:۲۵} زیرا قدرت عظیم خود را [به دست] ^{۴:۱}_{۸:۲۵} گرفته و سلطنت می کنی.

۱۸ و [امت ها] به حشم درآمدند و خشم تو و زمان داوری مردگان فرا رسید ^{۲:۱۰}_{۵:۱۹} و مزد به بندگان خودت، انبیاء، ^{۶:۱}_{۱۰:۱} زکی ^{۶:۱}_{۱۰:۷} و مقدسین و آنان که از نام تو می ترسند، چه کوچکان و چه بزرگان عطا کنی و مفسدان زمین را فاسد گردانی. ^{۱۱:۱۳}

۱۹ و قدس خدا، [آنکه] در آسمان است گشوده گشت و صندوقچه پیمان او در قدس او دیده ^{۲:۱۹}_{۱۶:۱۸} خروج ^{۲:۲۵}_{۹:۹} مکا ^۲_۲ شد ^{۱:۱۹}_{۵:۵} و آذربخشها و صدایها و تندرها و زلزله و مکا ^{۱۵:۵}_{۹:۲۴} تگرگ شدید روی داد. ^{۱:۱۶}_{۱۶:۱۸} مکا ^۴_۳

زن و ازدها

۱۲

شد:

۱۱ و پس از سه روز و نیم، روح زندگی از خدا در ایشان وارد شد و بر پاهای ایستادند و بر آنان که ایشان را تماشا می کردند ترسی عظیم فرا رسید.

۱۲ و صدای بلندی که از آسمان می آمد شنیدند که به ایشان می گفت: به اینجا بالا بیایید. و ایشان در میان ابرها به آسمان بالا رفته و دشمنانشان ایشان را تماشا می کردند.

۱۳ و در آن ساعت زلزله ای عظیم روی داد ^{۲۰:۱۹}_{۳۸:۲} و یک دهم شهر فرو ریخت و در زلزله هفت هزار نفر انسان کشته شدند و دیگران را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را ستایش کردند.

۱۴ «وای» دوم رفت و اینک «وای» سوم به زودی فرا می رسد.^e

شیپور هفتم

۱۵ و فرشته هفتم شیپور زد: و صدای ای بلندی در آسمان روی داد که می گفتند: ملکوت جهان به خداوند ما و مسیح ^{۲:۲}_{۱۰:۱۶} او انتقال یافته^f و به روزگاران و روزگاران سلطنت خواهد کرد. ^{۶:۱۹}_{۱۲:۱۰}^{۲:۲۹}_{۲:۴۳}^{۲:۷}_{۱:۱۲}

۱۳ ر. ک مکا:

f- تحت الفظی: ملکوت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شده است.

g- برابر سوگند فرشته در مکا ^{۷:۱}_{۰:۰} آهنگ هفتمین شیپور نشانه تحقیق یافتن راز خدا است. بدون شک به همین سبب خدا

h- تصویری که در اینجا ارائه شده با توجه به بعضی باورهای یهودیان و کاهنان یهود درک می شود، توضیح آنکه برطبق باب ^{۵:۱۶}_{۱:۲۰} سفر خروج صندوقچه پیمان از روی نمونه صندوقچه آسمانی ساخته شده است و در رؤیایی که در اینجا ذکر می شود منظور نمونه آسمانی صندوقچه پیمان است. از سوی دیگر برطبق روابات معتقد بودند که در پایان روزگار صندوقچه پیمان مجدداً متجلی خواهد شد (ر. ک ۲-۸:۲). اجتماع این دو عقده در اینجا اظهار تحقیق کامل عهد است.

- ^۵ و آن [زن] فرزندی نرینه زائید اش ۷:۶۶ که همه امت‌ها را با عصائی آهینین خواهد چرانید^k
- ^۶ و فرزندش به نزد خدا و به نزد تخت او ربوده شد.^۱
- ^۷ و زن به صحرا گریخت، جایی که خدا [برایش] آماده کرده بود
- تا در آنجا هزار و دویست و شصت روز او را غذا دهند.^m
- ^۸ و در آسمان جنگی روی داد: میکائیلⁿ و فرشتگانش با اژدها می‌جنگیدند
- و اژدها و فرشتگانش نیز می‌جنگیدند،^۲ و ایشان چیره نشدند^۳
- ^۹ زنی پوشیده از آفتاب، و ماه به زیرپاهایش و تاجی از دوازده ستاره بر روی سرشن.^۴
- ^{۱۰} او باردار بود و فریاد می‌کشید، و از درد زایمان رنج می‌برد.^۵
- ^{۱۱} و نشانه دیگری در آسمان پدیدار شد: و اینک اژدهای بزرگ سرخ [آتشین]^۶، با هفت سر و ده شاخ و بر روی سرهاش هفت دیبهیم،^۷
- ^{۱۲} و دمش یک سوم ستارگان آسمان را می‌کشید و آنها را بر روی زمین انداخت.^۸
- دان ۷:۷ و اژدها در مقابل زن که نزدیک به زایمان بود ایستاد تا وقتی فرزندش را بزاید او را بیلعد.

- این زن که با زیورهای آسمانی آراسته شده پسری به دنیا می‌آورد که یقیناً منظور مسیح موعد است زیرا پیشگویی مسیحای را که در مز ۹:۲ ذکر شده انجام می‌دهد.

از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که تمام این صحنه مستقیماً با آنچه در پید ۱۵:۳ ذکر شده تطبيق می‌نماید. در آنجا و عده داده شده که نسل زن بر مار (شیطان) پیروز خواهد شد (به هم‌صورت در ترجیمه یونانی عهد عتیق این مورد به عنوان اعلام آمدن مسیح موعد پذیرفته شده است). باری در باب ۱۲ مکافهه نیز اژدها به نامهای مار قدیمی، ابلیس و شیطان نامیده می‌شود (ایه ۹). همچنین اگر به بقیه مطلب توجه شود (ر. ک مخصوصاً آیه ۱۷) روش است که منظور از این زن، صهیون (ر. ک، اش ۵:۶؛ هو ۲:۲۱-۲۵) یعنی قوم خدا است که مسیح موعد و ایمانداران را به دنیا خواهد آورد. ضمناً زنی که در باب ۱۲ ذکر شده و مادر مسیح موعد است آیا ممکن است همان مریم عذرآ را بشد چنانکه بسیاری از پدران کلیسا‌پنی‌پنداشته‌اند و در روایات مربوط به آیین نیایش ذکر شده و در تصاویر مقدسین نشان داده شده است؟ بسیاری از مفسران معاصر در قبول این نظریه، حتی به صورت یک راه حل فرعی، تردید دارند. مفسران دیگری فکر می‌کنند که منظور نویسنده مریم به عنوان تصویر و تجسم کلیسا می‌باشد.

- به اژدها (شیطان) خصایصی نسبت داده شده که نشانه قدرت او است. هرگاه بخواهیم سقوط ستارگان را که در دان ۱۰:۸ ذکر شده تفسیر کنیم باستثنی نظریه یهودیان را در این مورد (ر. ک مکا ۹:۱ توضیح ۵) مورد توجه قرار دهیم (پید باب ۶).

- اشاره به مز ۹:۶. ر. ک مکا ۲۷:۲ و ۲:۱۲ توضیح ۱.

۱- مبارزه‌ای که در پید ۱۵:۳ اعلام شده اکنون به مرحله قطعی می‌رسد: یعنی رستاخیز مسیح (که به نزد خدا برده شد) آغاز شکست شیطان را اعلام می‌کند.

۲- زنی که تجسم قوم خدا است به مانند اسرائیل است که درگذشته از اسارت و حملات مصریان بوسیله خدای خود نجات یافته بود، زنی که مظهر قوم خدا است از تسلط قدرهای بدی فرار کرده در صحراء فقط از آنچه خداوندش فراهم می‌آورد زندگی می‌کند (ر. ک همچنین آیه ۱۴).

در نوشته‌های کتاب مقدس پس از ذکر وقایع خروج اسرائیل از مصر، صحراء مظهر حمایت قدرت الهی بشمار می‌رود (ر. ک مثل ۱-۱۷؛ ۸-۱۹؛ ۱۹-۱۷). معذالک گاهی نیز مظهر آزمایشی است که خدا بوسیله آن، کسان خود را به محک آزمایش درمی‌آورد. در مورد ۱۲۶۰ روز ر. ک مکا ۲:۱ توضیح ۵.

۳- نام میکائیل در زبان عبری یعنی «آنکه به مانند خدا است». بنا به نوشته دانیال (۱۰:۲۱، ۱۰:۱۳؛ ۱۲:۲۱) و در نوشته‌های بعدی، میکائیل فرشته مغرب مهمی است که وضعیت مخصوصی دارد. وی برای اسرائیل یا برای همه مقدسین شفاعت می‌کند. بنابراین یکی از دشمنان اصلی شیطان یعنی متهمن کشته می‌باشد (ر. ک آیه ۱۰).

زیرا ابلیس با غضبی بزرگ نزد شما
فرود آمده است ۳:۲۰

زیرا می دانست فرست کمی دارد. ۱۳
وقتی اژدها دید که به روی زمین
انداخته شده، زنی را که [فرزنده] نرینه پیدا ۱۵:۳

زائیده بود تعقیب کرد. ۱۴
و به آن زن دو بال عقاب بزرگ^۵ داده شد اش ۳۱:۴۰

تا به جای خود در صحرا پرواز کند،
جایی که یک زمان، و زمانها و نصف
زمان^۶ [به دور] از نظر مار تغذیه
می شود. ۱۵
و آن مار از دهان خود آبی به مانند
رودخانه به دنبال زن انداخت تا آن
[زن] بوسیله رودخانه برده شود. ۱۶
و زمین آن زن را یاری کرد
و زمین دهان خود را باز کرد^۷ و
رودخانه ای را که اژدها از دهان خود اعد ۳۴-۳۰:۱۶

انداخته بود بلعید. ۱۷
و اژدها علیه زن خشمگین شد و رفت تا
با بقیه نسل او بجنگد،
آنان که فرمانهای خدا را رعایت می کنند
و شهادت عیسی را دادند.^۸ ۱۸
و [سپس] بر روی شن دریا توقف کرد.^۹

و دیگر جای ایشان را در آسمان
نیافتند.

^۹ و اژدهای بزرگ، انداخته شد مار
قدیمی^{۱۰} که ابلیس و شیطان می نامند،
آنکه همه دنیا را گمراه می کند،
به روی زمین انداخته شد و فرشتگانش
نیز با او انداخته شدند.

^{۱۰} و صدایی بلند در آسمان شنیدم که
می گفت:

اکنون رستگاری

و قدرت و ملکوت خدای ما
و اقتدار مسیح او فرا رسیده است
زیرا تهمت زننده برادران ما^۹،
آنکه روز و شب ایشان را در مقابل
خدای ما متهم می کرد انداخته شده
است.

^{۱۱} ۱۴:۲-۱۰- ۱۱ و ایشان به سبب خون بره و به سبب
کلام شهادت خود بر او پیروز شدند
و تا سرحد مرگ از جان خود
گذشته اند.^{۱۰}

^{۱۲} ۱۳:۴۹-۲۳:۴۴ اش
بدین سبب، ای آسمانها و شما که
در آن سکونت دارید شادی کنید!
وای بر زمین و بر دریا

۰- مار اولی ترجمه^{۱۱} بهتری است و بدون شک اختلاف جزیی متن یونانی را بهتر نشان می دهد ولی ترجمه مار اولی یا مار اصلی ممکن است به مفهوم وجود ثبویت اساسی در کتاب مقدس چنین نظریه ای مطرح نیست.

p- ر.ک مکا ۱۲:۲ توضیح^{۱۲}.

q- شیطان = متهم کننده، ر.ک ایوب ۱:۱۱-۹:۱؛ ۲:۴-۵؛ زک ۳:۱-۲.

r- ترجمه تحت الفظی: روح (جان) خود را دوست نداشته اند تا به مرگ. شهادت مسیحیان همچون شهادتی است که مسیح رنجیده و در حال مرگ بر روی صلیب بدان نائل شد. لذا گواهی دادن نزدیک به شهید شدن است. ر.ک مکا ۲:۱ توضیح^{۱۳}.

s- اشاره ای دیگر به خروج اسرائیلیان از مصر. این تصویر از خروج ۱۹:۴ و تث ۱۱:۳۲ گرفته شده است.

t- ر.ک مکا ۱:۲ توضیح^{۱۴}.

u- ترجمه دیگر: زمین باز شد.

v- این نکته انجام یافتن پیشگویی پیدا ۵:۵ است. نسل این زن اول مسیح موعود، نخست زاده است؛ و ایمانداران نسبت به او بقیه نسل می باشند، بدین گونه پولس مسیح را نخست زاده از انبوه برادران می خواند (روم ۸:۲۹).

w- در بعضی از نسخه های خطی نوشته شده است: سپس بر روی شن دریا فرار گرفتم.

[دوباره] زنده شده است.^d
^{۱۵} و به او داده شد که روحی به تصویر بدھد^h تا تصویر حیوان هم سخن گفته و طوری رفتار کند که تمام آنانی که تصویر حیوان را پرستش نکنند کشته شوند.ⁱ

^{۱۶} و طوری می کند که همگی، کوچکان و دان^{۷-۵:۳} بزرگان و ثروتمندان و فقیران و آزاد مردان و برگان، تا ایشان بر روی دست راست یا پیشانی خود علامتی بگذارند.^j

^{۱۷} و تا هیچکس نتواند بخرد یا بفروشد^{۱۱:۹-۱۴} ^{۲:۱۶} مگر آنکه علامت نام حیوان یا عدد نام او را دارد.

^{۱۸} در اینجا حکمت است! تا آنکه عقل دارد عدد حیوان را حساب کند^k زیرا^{۹:۱۷} عدد انسانی است و عدد آن شش صد و شصت و شش است!^l

شمشیر کشته می شود^d، اینجا پایداری و ایمان مقدسین است.^e

^{۱۲:۱۴} ^{۱۱} و دیدم حیوان وحشی دیگری از زمین بالا آمد و به مانند بره ای دو شاخ داشت و مثل اژده هایی سخن می گفت.^f

مت ۱۵:۷ ^{۱۲} و همه اقتدار حیوان اولی را در مقابل او انجام می دهد و طوری رفتار می کند که زمین و ساکنانش اولین حیوان را که زخم مهلکش درمان یافته بپرستند.

^{۱۳} و نشانه های بزرگی انجام می دهد، تا آنجا که [باعث می شود]^g در مقابل انسان ها آتش از آسمان به زمین فرود آید.

^{۱۴} و ساکنان زمین را گمراه کرده به سبب نشانه هایی که به او داده شده در مقابل حیوان انجام دهد^g، به ساکنان زمین می گوید تصویری از حیوان بسازند، آنکه زخم شمشیر دارد و

d- مفاد این آیه مبهم و در ک آن دشوار است به طوری که اگر عیناً و تحتاللفظی نقل شود خوانندگان را دچار تردید می کند. برابر ترجمه بالا که یذرفته شده و نزدیک به مت ارد ۲:۱۵ است مفهوم این عبارت چنین است: مسیحیان در دورانی از تعقیب و شکنجه اجتناب ناپذیر زندگی می کنند و در این اوضاع و احوال باید پایداری و ایمان نشان داده شود. برطبق نسخه های دیگری در مورد کیفر شکنجه دهنده گان یادآوری و تأکید می شود که مفهوم آن چنین است: اگر کسی به اسارت می برد، خودش نیز به اسارت خواهد رفت: اگر کسی با شمشیر می کشد خودش نیز بوسیله شمشیر کشته خواهد شد.

e- ترجمه دیگر: اکنون ساعت پایداری و ایمان مقدسین است.

f- حیوان دومی که در خدمت حیوان اولی است به عنوان پیامبری دروغی معزی می شود (ر. ک مکا ۱۶:۱۹؛ ۲۰:۱۳). این پیامبر دروغی یادآور پیامبران دروغی و مسیح های دروغی است که آمدن آنها در مت ۲۴، ۱۱:۲۴ اعلام شده و پیشرو و نشانه های قبلي بازگشت مسیح واقعی هستند. ضمناً شاید منظور نویسنده اشاره به وقایع نزدیک تری است و تبلیغاتی را در نظر دارد که برای تحمیل پرستش امپراطور انجام می شده است.

g- ر. ک مت ۲۴:۲۴؛ ۲۲:۱۳؛ ۲۲:۲-۲-تسا ۹:۲.

h- ترجمه دیگر: به او داده شد به تصویر حیوان جان بدهد.

i- آنکه نمی یذرفتند امپراطور را بپرستند به همین سبب مطرود جامعه بودند.

j- ترجمه دیگر: اکنون وقت تشخیص و بصیرت است.

k- ترجمه دیگر: عدد حیوان را تفسیر کند. منظور روش محاسبه ای است که برای هر یک از حروف الفبا عددی تعیین کنند [نظیر اعداد حروف ابجد در فارسی] و سپس اعداد مربوط به هر یک از حروف یک نام را جمع نمایند. بدین طریق می توان برای هر اسم عدد آن را محاسبه کرده یا بالعکس در مقابل عدد معینی نام مربوط به آن را تشخض دهنند.

l- در تعدادی از نسخه های خطی به جای ۶۶۶ نوشته شده است: محاسبه این ارقام به طریقی که در یاداشت قبلی توضیح داده شد در طی دورانهای متمادی موجب تعبیر و تفسیرهای مختلف و متعدد گردیده است. در بیشتر این محاسبه ها سعی شده

می باشند،
اینان بره را هر جا ببرود پیروی می کنند.^۰
اینان از بین انسان، برای خدا و برای
بره، به عنوان نوبر خریداری شده‌اند.
^۵ و در دهانشان دروغ پیغام را گرفته نشده؛ غیرقابل ارجاع
سرزنش هستند.^{pp}

مز: ۲:۳۲
اش: ۹:۵۳
صف: ۱۳:۳

اعلام داوری

^۶ و دیدم فرشته دیگری در اوج آسمان
می پرید.

[وی] نویدی جاودان داشت تا به آنان
که بر روی زمین نشسته اند و به هر امت
و قبیله و زبان و قوم نوید دهد.

^۷ با صدای بلند می گفت:

از خدا بترسید و او را ستایش نمائید
زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است،

و آنکه آسمان و زمین و دریا و خروج
چشم‌های آب را آفریده پرسید.

^۸ و فرشته ای دیگر، [فرشته] دوم، در ادامه
گفت:

از سوی دیگر بعضی از مفسران فکر می کنند به همان گونه که رقم ۷ مظہر تمایت و کمال است رقم ۶۶۶ اصولاً مظہر عدم

کمال می باشد و چون عدد مربوط به این حیوان عددی غیرکامل است بنابراین بشری است و جنبه الوهیت ندارد.

m- ر.ک مکا:۷:۴ توضیح g-
n- ر.ک ۱۷:۲:۲ توضیح o-

nn- [تحت اللفظی]: بکر. که البته در اینجا بایستی به مفهوم معنوی و روحانی کلمه درک شود و منظور مردان و زنان مسیحی

هستند که در برابر بی نظمی های اخلاقی بت پرستان پاک و بی آلایش مانده اند.]

۰- این تصدیق که در همبستگی و هماهنگی کامل با مسیح است شاید موضوع پاکدامنی و بکر بودن را روش می کند و نشان
می دهد که بایستی این کلمه را به مفهوم وسیع و استعاری کلمه درک نمود که شرط اساسی و مطلوب ملت مسیحی است: اصالت
و وفاداری کلیسا که خود را از هر گونه آلودگی با پرستی جهان دور نگاه می دارد. ضمناً ممکن است در اینجا هشداری بر

ضد فحشای معابد مشرکان باشد زیرا گفته شده است: خود را با زنان آلوه نکرده اند. [در مورد فحشای معابد مشرکان، لازم

به یادآوری است که در بعضی از معابد بت پرستان، دخترانی خود را به معبد تقدیم می کردند و زائرانی که به معبد می آمدند

می توانستند با این دختران تزدیک کنند، این عمل را نه فقط مذموم و ناپسند نمی دانستند بلکه آن را وظیفه‌ای مذهبی

محسوب می کردند].

p- از همان آغاز در نوشته های عهد عتیق، دروغ به عنوان آیین پیامبران دروغین معرفی می شود.

pp- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر است.

بره و باز خرید شدگان

^۱ و دیدم اینک بره بر روی کوه
صهیون ایستاده،

۶:۵
مز: ۶:۲
یول: ۵:۳
۱۷:۷ عو: ۴:۹
حرق: ۴:۷ مکا: ۱۲:۳

و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر^m
که نام او و نام پدرش را بر پیشانی خود
نوشته اند.

^۲ و شنیدم صدایی از آسمان می آید،

به مانند صدای آبهای بسیار،
و به مانند صدای تندری بزرگ.

و صدایی که شنیدم به مانند [صدای]
چنگ نوازانی بود که بر خود سنتور
نوازی کنند.

^۳ و در مقابل تخت و در مقابل چهار جاندار
و پیران مانند سرو دی نوⁿ می خوانند،

و هیچ کس نمی توانست این سرو د را یاد
بگیرد،

مگر آن صد و چهل و چهار هزار نفر که
از زمین خریداری شده اند.

^۴ اینان کسانی هستند که خود را با زنان
آلوده نکرده اند؛ زیرا پاکدامنⁿⁿ

^{۱۲} اینجا صبر مقدسین است^t، آنان که ۱۰:۱۳
فرمانهای خدا و ایمان عیسی را حفظ ۱۷:۱۲
می‌کنند.

^{۱۳} و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت
بنویس: از هم اکنون خوشابه حال مردگانی که در
خداوند می‌میرند!^u

آری، روح [القدس] می‌گوید عبر:^v ۱۰:۴
از زحمت‌های خود بیاسایند زیرا
اعمالشان به همراه ایشان است.

درو و انگور چینی زمین

^{۱۴} و دیدم آنگاه ابری سفید و کسی بمانند
پسرانسان^w برابر نشسته،
بر روی سرش تاجی زرین و در دستش دان ۱۳:۱
داسی تیز.

^{۱۵} و فرشته دیگری از قدس بیرون آمده به
آنکه برابر نشسته بود با صدای بلند

سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم^۹
که از شراب بی عفتی خشم خود همه امت
هارا مشروب نموده است!^x

^۹ و فرشته‌ای دیگر، [فرشته] سوم، در بی
آنها آمد که با صدای بلند می‌گفت:
اگر کسی حیوان و تصویر را بپرسید و
علامت آن را بر روی پیشانی خود یا بر

روی دستش بپذیرد،

^{۱۰} نیز او از شراب خشم خدا که ناب در جام
غضب او مخلوط شده خواهد آشامید
و در آتش و گوگرد در برابر فرشتگان
قدس و در مقابل بره شکنجه خواهد

شد.^y

^{۱۱} ^{۱۰:۳۴} ^{اش} و دود شکنجه ایشان به روزگاران و
روزگاران بلند می‌شود،
و آنان که حیوان و تصویر او را می‌پرسند
و هر که علامت نام او را می‌پذیرد
و روز و شب آسایش ندارند.

^۹- پس از دوران اسارت و تبعید یهودیان، بابل مظہر و نماد امیراتوریهای شد که بر ضد خدا و قوم او هستند و مستحق نفرین و لعنت می‌باشند (ر. ک اش ۱:۴۶-۱:۴۷؛ ۳-۴:۵۱؛ ۱۵-۱:۴۷؛ ۳-۴:۵۸؛ ۵:۱۵-۵:۱۱).

^{۱۰}- فسادی که در جامعه بابل وجود داشته بوسیله هرزگی و عیاشی افسار گسیخته مجسم شده است. نویسنده که به طرز برگزاری مجالس عیاشی و میگساری اشاره می‌کند بیشتر بی نظری روحی و اخلاقی دنیای بت پرستی را یادآوری می‌نماید. همچنین می‌توان در ک کرد که منظور شراب خشم خدا است (آیه ۱۰): بت پرستی که با کنایه و اشاره بوسیله عیاشی نشان داده شده آدمیان را سیراب کرده است.

^{۱۱}- تجسم کفاران در ادبیات سنتی به همین نحو است (ر. ک مکا ۱۹:۰؛ ۰:۲۰؛ ۰:۲۱؛ ۸:۲۱)، این تصویرگاهی با تصویر «بهمن» آتش آمیخته و شاید از آن گرفته شده است (ر. ک مت ۱۸:۹-۸:۱۰). کلمه جهنم از کلمه عبری گهینوم گرفته شده که به معنی دره هینوم است. دره هینوم که در جومه اورشلیم و در جنوب غربی آن قرار دارد از همان ابتدا شهرت بدی داشته زیرا در آنجا آئین پرستش رب النوع کنایان و فنیقان بنام مولک انجام می‌شد و قربانی انسان و مخصوصاً کودکان معمول بوده است: پیامبران این محل را نجس و آلوده می‌شمردند (ر. ک ۲-۲:۱۰-۱:۲۳-۱:۲۳؛ ۰:۵-۰:۶؛ ۳:۳۵-۳:۳۲). پس از دوران تبعید، یهودیان در این محل لشه‌های نجس و بقایای فضولات و اجساد آلوده را می‌سوزانند. شکی نیست که بعد این روش در طرز تجسم کیفر پایان روزگار مؤثر بوده است (ر. ک اش ۶:۶-۶:۷). در برخی از نوشته‌های کاهنان و کتابهای یهودیان که جزو نوشته‌های الهامی نیستند جهنم را محل شکنجه کافران دانسته اند و چنین می‌نمایند که از این موضوع و تصاویری که به همراه آن است در بعضی از نوشته‌ها و متون عهد جدید پیروی کرده اند (ر. ک خنخ ۷:۲۷؛ ۷:۲۲؛ ۴:۴-۴:۵؛ ۰:۲۹؛ ۰:۲۸؛ ۰:۱۰؛ ۰:۱۸؛ ۰:۹؛ ۰:۹؛ ۰:۵؛ ۰:۱۲؛ ۰:۶-۰:۳).

^t- ترجمه دیگر: اکنون ساعت استقامت مقدسین است (ر. ک ۱۰:۱۳).

^u- تحت اللطفی: خوشابه حال مردگانی که در خداوند می‌میرند، از هم اکنون. ضمناً ممکن است عبارت «از هم اکنون» به جمله بعدی متصل شود: آری، روح القدس می‌گوید از هم اکنون...

^v- ر. ک مکا ۱۳:۱ توضیح X.

هفت فرشته که هفت بلای آخرین را
داشتند،
زیرا بوسیله آنها خشم خدا انجام یافته است.
^۲ و دیدم به مانند دریائی شیشه‌ای آمیخته به آتش،
و [کسانی] پیروزمندند بر حیوان و تصویر او و رقم نام او،
بر روی دریائی شیشه‌ای ایستاده،
که چنگ‌های خدا را داشتند.
^۳ و سرود موسی^X، بنده خدا و سرود بره را،
می‌گویند:
کارهای تو عظیم و شگفت‌انگیزند،
خداؤندا، ای خدای قادر متعال!
راههای تو عادلانه و حقیقی هستند
ای پادشاه امت‌ها!
خداؤندا، چه کسی از تو نترسد
و نام ترا شکوهمند نخواهد کرد؟
زیرا تنها [تو] مقدسی؛
چون همه امت‌ها خواهند آمد و در مقابل تو بر زمین بوسه خواهند زد،
زیرا داوریهای تو متجلی شدند.
^۴ و پس از اینها دیدم و قدس خیمه شهادت^۵ در آسمان باز شد.

^۶ و هفت فرشته‌ای که هفت بلا را دارند از قدس بیرون آمدند،
[لباس] کتانِ خالص درخشان در بر

فریاد برآورد:
داس خود را بفرست و درو کن^W،
یول ۱۳:۴ موسم درو کردن فرا رسیده زیرا محصول زمین خشک شده است.
^{۱۶} و آن که بر ابر نشسته بود داس خود را به روی زمین انداخت و زمین درو شد.
^{۱۷} و فرشته دیگری از قدس که در آسمان است بیرون آمد،
او هم داس تیز داشت.
^{۱۸} و فرشته دیگری از قربانگاه بیرون آمد،
[آنکه] برآتش اقتدار دارد و با صدای بلند به آنکه داس تیز داشت فریاد برآورد:
داس تیز خود را بفرست و خوش‌های تاکستان زمین را بچین،
زیرا انگورهایش رسیده‌اند.
^{۱۹} و فرشته داس خود را بر زمین انداخت و تاکستان زمین را چید و در چرخشت بزرگ غضب خدا انداخت.
^{۲۰} و در بیرون شهر چرخشت لگدمال شد و از چرخشت تا به دهنۀ های اسبان به مسافت هزار و شش صد استاد^{WW} خون بیرون آمد.

هفت فرشته و آخرین بلاها

^۱ و در آسمان نشانه دیگری، بزرگ و شگفت‌انگیز دیدم:

۱۵

W- تصاویر درو کردن و انگورچینی (ر. ک آیات ۱۸-۲۰) برای نشان دادن داوری نهایی در پایان روزگار خیلی متدال است.
مثالاً ر. ک اش ۳:۶۳، یول ۴:۱۳، مت ۳۹:۱۳.
WW- هر استاد = ۱۸۵ متر بوده است.
X- ر. ک خروج ۱۵. به همان گونه که موسی پس از عبور از سپاه مصربان آواز سپاسگزاری خوانده بود، پیروزمندان بر حیوان نیز بر روی دریائی شیشه‌ای ایستاده سرود سپاسگزاری می‌خوانند. سرود بره هم به همین گونه است زیرا پیروزی ایشان شرکت در پیروزی بره است.
y- تحت اللفظی: معبد خیمه شهادت. ر. ک مکا ۱۹:۱۱ توضیح h.

و آنها خون شدند.
^۵ و [صدای] فرشته آبها را شنیدم که می گفت: کردند و به دور سینه کمر بندهای زرین بستند.

تو عادلی، ای آنکه هست و آنکه بود،
^۶ [تو] ای قدوس، زیرا این ها را مملو از خشم خدائی که به روزگاران و روزگاران زنده است.
^۷ داوری کرده ای.
^۸ زیرا خون مقدسین و انبیاء را داده اند و تو به ایشان خون داده ای تا بیاشامند، و شایسته آنند.
^۹ و شنیدم که قربانگاه می گفت: ^{۱۰} و چهارمی پیاله اش را به روی خورشید مز ۱۰:۱۹ ریخت، و به آن داده شد که آدمیان را با آتش خود] بسوزاند.
^{۱۱} و انسان ها با سوختگی عظیمی سوختند، و ایشان نام خدا را که بر این بلاها قدرت دارد به کفر بر زبان آوردند و توبه نکردند تا او را شکوهمند سازند.
^{۱۲} و پنجمی پیاله خود را به روی تخت حیوان ریخت، و مُلک او ظلمات شد.
^{۱۳} [و مردمان] زبانهای خود را از درد به خروج ۲۱:۱۰ اش ۲۲-۲۱:۸ دندان گزیدند،
^{۱۴} و به سبب دردهایشان و به سبب

^۷ و یکی از چهار جاندار به هفت فرشته هفت پیاله زرین داد، مملو از خشم خدائی که به روزگاران و روزگاران زنده است. ^۸ و قدس از شکوه خدا و از قدرت او پر از دود شد. ^۹ خروج ۳۵:۳۴:۴۰
^{۱۰} و هیچ کس نمی توانست در قدس خدا وارد شود تا اینکه هفت بلای هفت فرشته انجام شود. ^{۱۱} ای پاد: ۱:۱۰؛ ای اش: ۴:۲۶؛ ای حرق: ۴:۴۱

هفت پیاله

۱۶ ^۱ و صدایی بلند شنیدم که از قدس می آمد و به هفت فرشته می گفت: بروید و بر روی زمین هفت پیاله خشم خدا را ببریزید.
^۲ و اولین رفت و پیاله اش را بر زمین ریخت، و بر روی انسان هایی که نشانه حیوان را داشتند و آنان که تصویر او را پرستش می کردند زخمی موذی و بد خیم بوجود آمد. ^۳ خروج ۱۰:۹
^۴ و دومی پیاله اش را به روی دریا ریخت، و بمانند خون مرده شد، و هرجانداری که در دریا بود مرد. ^۵ و سومی پیاله اش را بر روی رودخانه ها و چشمه های آب ریخت ^۶ خروج ۷:۱۹-۱۹:۲۴؛ ^۷ مکا ۸:۸، ^۸ مکا ۸:۸

- دود نظیر ابر، آتش و آذرخش ابزارهای متداوی تجلی الهی است. نویسنده برای یادآوری شکوه الهی که در معبد آسمانی حضور دارد از متون کتاب مقابس الهام می گیرد که مربوط به تجلی این شکوه در خیمه صحرای در معبد اورشلیم است (ر.ک خروج ۴:۳۵-۳۴:۴).

- نظیر باهیا ^a و ^b، بلاهائی که توصیف خواهد شد همان بلاهائی را به یاد می آورند که بر مصریان رسید: زخم (آیه ۲: ر.ک خروج ۸:۹)؛ تغییر آبها به خون (آیات ۳-۴: ر.ک خروج ۱۷:۲۵)؛ وزغ ها (آیات ۱۲-۱۳: ر.ک خروج ۷:۲۷).

- تقدیر و تگریک (آیات ۱۸-۲۱: ر.ک خروج ۹:۲۳-۲۶).

- تحقیق انتظاری که در مکاء: ۱۰ ذکر شده است.

۱۸ و آذربخش‌ها و صداها و تندرها به وجود
آمد و زلزله عظیمی روی داد چنان‌که از

زمان ایجاد انسان بر روی زمین چنین خروج:
۲۴:۹ ۱۳:۱۹

زلزله بسیار شدید بسیار عظیمی روی مکا:
۵:۴ ۱۹:۱۱

دان ۱۲:۱۲

۱۹ و شهر بزرگ به سه قسم تقسیم شد و
مر ۱۹:۱۳

شهرهای امت‌ها فرو ریختند،

و بابل عظیم در مقابل خدا به یاد آمد

تا جام شراب غصب خود را به او بددهد.
۱۰:۱۴ ۷:۱۵

۲۰ و هر جزیره‌ای گریخت و کوهها پیدا
نشدند.^f

۲۱ و تگرگی شدید [هر دانه] گویا به وزن خروج:
۲۲:۹ ۲۲:۹

یک تالان^g از آسمان به روی انسان‌ها
می‌افتد؛

و انسان‌ها به سبب این بلای تگرگ به
خدا کفر گفتند.

زیرا این بلا سخت عظیم است.

داوری فاحشة بزرگ

۱۷ ۱ و یکی از هفت فرشته که هفت
پیاله را داشتند آمد و با من حرف

زده گفت:

بیا تا داوری شدن فاحشه^h بزرگ را که

بر روی آبهای فراوان نشسته است به تو ار
۱۳:۵۱

زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند،
و از کارهای خود توبه نکردند.

۱۲ و ششمی پیاله خود را به روی رودخانه

عظیم فرات ریخت

۱۴:۹ و آب آن خشک شد تا راه پادشاهان

مطلع خورشید^{bb} آماده شود.

۱۳ و دیدم از دهان اژدها و از دهان حیوان و

از دهان نبی دروغی سه روح ناپاک

به مانند وزغ‌ها [بیرون آمد].

۱۴ زیرا ایشان ارواح دیوها هستند

که نشانه‌هایی می‌کنند و به سوی

پادشاهان همه ربع مسکون می‌روند

تا ایشان را برای جنگ روز بزرگ خدای

قادر متعال به دور هم جمع کنند.

۱۵ اینک من به مانند دزدی می‌آیم!

خوشاب آنکه بیدار ماند و لباس‌هایش را

نگه می‌دارد،

۱۶ مبادا برهنه راه ببرد و شرم او را ببینند^c:

۱۶ و ایشان را در جایی که به عبری

هارماگدون^d خوانده می‌شود گردhem

آورد.^e

۱۷ و هفتمی پیاله اش را به روی هوا ریخت

و صدای بلندی از قدس از تخت برآمد

که می‌گفت: تمام شد!

[منظور از پادشاهان مطلع خورشید، پادشاهان مشرق زمین است.]

c - چنین به نظر می‌رسد که این آیه در جای مناسبی قرار ندارد زیرا بیان ششمین بلا را قطع می‌کند؛ قاعدتاً آیات ۱۴ و ۱۶ باید به دنبال هم خوانده شوند.

d - یا حارمجدون؛ این کلمه در زبان عبری به معنی «کوه مگیدو» است. مگیدو نام شهری در دشت اسرارلون و در پای کوه کرمل است که در آنجا جنگهای خونینی رخ داده است (و. ک داور ۱۶:۱۲-۱۴؛ ۲-پادشاه ۲۹:۲۳). در کتاب زکریا این محل به عنوان مظہر و نشانه شکست نهائی ارتشهای دشمن ذکر شده است (ر. ک زک ۱۱:۱۲).

e - ترجمه دیگر: گرد هم آوردند.

f - ر. ک مز ۳:۴۶؛ ار ۴:۲۴-۲۵؛ حرق ۱۸:۲۶ و ۳۸؛ نح ۱:۵؛ مکا ۶:۱۴.

g - کلمه تالان در صورتی که به مفهوم مقیاس وزن به کار برد شود در حدود ۴۰ کیلوگرم است.

h - در نوشته‌های عهد عتیق تصویر فاحشه اکثراً به عنوان مظہر قوم یا شهر بتپرست ارائه می‌شود. ر. ک اش ۱:۲۱؛ ۲۳:۲۱؛ ۱۶:۲۳؛ ۱۸:۱۶؛ ۶۳:۵؛ هو ۲:۳:۵؛ نح ۳:۴. در اینجا ظاهرًاً منظور پایتخت امپراتوری روم، مرکز شرک و بتپرستی و قدرت

من راز زن و حیوانی را که بر آن سوار است، آنکه هفت سر و ده شاخ دارد به تو خواهم گفت.

^۸ حیوانی که تو دیدی، بود و دیگر نیست ۴-۱:۱۳ و می بایست از هاویه بالا بباید و به هلاکت می رسید^k

و آنان که بر زمین سکونت دارند، که نامشان از بنیان جهان در کتاب زندگی نوشته نشده است
دچار شگفتی خواهند شد
چون حیوان را ببینند
زیرا بود و دیگر نیست اما [دوباره]
ظاهر خواهد شد.

^۹ در اینجا هوشی هست که حکمت دارد. ۱۸:۱۳ هفت سر، هفت کوه هستند که بر روی آنها آن زن نشسته است^۱

همچنین هفت پادشاه هستند.
^{۱۰} پنج تا افتاده اند، یکی هست، دیگری هنوز نیامده^m
و وقتی بباید، باید اند کی وی بماندⁿ.
^{۱۱} و حیوانی که بود و [دیگر] نیست، نیز خودش هشتمین [پادشاه] است

نشان دهم.

آن که پادشاهان زمین با او بی عفتی کردند

^{۱۲} اش ۱۷:۲۳ و ساکنان زمین از شراب بی عفتی او مست شدند^۱. ۷:۵۱

^{۱۳} و مرا در روح به صحرابرد.

^{۱۴} اش ۲-۲۱ و دیدم زنی بر حیوانی قرمزرنگ، پُر از نامهای کفرآمیز^۲ که هفت سر و ده شاخ داشت نشسته است.

^{۱۵} اش ۱:۱۳ و زن لباسی ارغوانی و قرمز و پوشیده به طلال^۳ و سنگ قیمتی و مروراً بددها داشت و در دستش جامی زرین، پُر از خبات‌ها

^{۱۶} اش ۷:۵۱ و نپاکی‌های بی عفتی‌های او، و بر پیشانیش نامی نوشته که رازی بود:

^{۱۷} اش ۷:۲-۲ با بل عظیم، مادر فاحشه‌ها و خبات‌های زمین.

^{۱۸} اش ۶ و زن را دیدم که از خون مقدسین و خون شاهدان عیسی سرمست بود و با دیدن او از شگفتی عظیمی شگفت‌زده بودم.

^{۱۹} و فرشته به من گفت: چرا در شگفتی؟

ظالمانه است (آیه ۶) و به طوری که توصیف شده در کنار آبها قرار دارد (آیه ۱) و بر روی حیوانی هفت سر سوار شده که طبق آیه ۹ هفت تپه‌ای هستند که شهر رم بر روی آنها بنا شده است.

- اشاره به پادشاهان و اقوامی است که در پرستش امپراتور بت پرست شرکت نموده اند.

z- ر.ک مکا ۱:۱۳ توضیح x.

jz- [ترجمه تحت الفظی: مطلا شده از طلا].

k- در صورتی که خدا به صورت: آنکه بود، آنکه هست و آنکه می آید ارائه می شود (ر.ک مکا ۱:۴، ۸:۴)، حیوان (که مظہر قدرتهای دشمنانه است) بوده و هست و علی رغم وجود کونی، یوحنا در رؤیای خود هم اکنون او را مشاهده می کند که بر اثر داوری خدا نایبود شده و به هلاکت می رسد.

l- ر.ک ۱:۱۷ توضیح h.

m- ترجمه دیگر: پنج تا از آنها افتاده اند، ششمی سلطنت می کند، هفتمی هنوز نیامده.

n- شکی نیست که اشاره نویسنده به هفت تپه، کسانی هستند که به توالی امپراتور روم بوده اند. به هر صورت تشخیص هویت هر یک از آنان دشوار و مشکوک است (هرگاه امپراتوران مهم روم را به حساب آورده و از آگوست آغاز کیم، پنجمی آنان نرون بوده و امپراتور هشتمی دومینیان خواهد بود).

سخنان خدا تحقق یابد.
^{۱۸} و زنی را که دیده ای، شهر عظیمی است که بر پادشاهان زمین سلطنت دارد.

و یکی از هفت تن است و به هلاکت می رسد.
^{۱۲} و ده شاخی که تو دیده ای، ده پادشاه دان ۲۴:۷ هستند که هنوز پادشاهی دریافت نکرده اند،

سقوط بابل
^۱ پس از اینها دیدم فرشته ای دیگر
۱۸ از آسمان فرود آمد

ولی با حیوان یک ساعت قدرت به عنوان پادشاه می یابند.^{۱۳}

که قادر تی عظیم داشت و زمین از شکوه او روشن شد.
^۲ و با صدائی نیرومند فریاد برآورد گفت:

اینان فقط یک منظور دارند و قدرت و اقتدار خود را به حیوان می دهند.

سقوط کرده، سقوط کرده، بابل عظیم
^{۹:۲۱} مکا
^{۸:۱۴} اش
^{۲۱:۱۳} اش
^{۳۹:۵} ار
^۹ و مسکن دیوها و دخمه تمام روحهای خبیث و مأوای هر پرنده نایاک^{۹۹} و منفوس شده است،

^{۱۴} اینان با بره جنگ خواهند کرد و بره بر ایشان پیروز خواهد شد،
^{۲۱:۱۹} زیرا خداوند خداوندان و پادشاه پادشاهان است
^{۱۶:۱۹} تث
^{۱۷:۱۰} دان
^{۴۷:۲} ۱-تیمو^{۱۵:۶} و همچنین آنان که با او خوانده شده اند و برگزیدگان و ایمانداران^۹.

^۳ زیرا همه امت ها از شراب خشم بی عفتی او آشامیده اند و پادشاهان زمین با او فحشا کرده اند،
^۴ و سوداگران زمین از قدرت تجمل او ثروتمند شده اند.

^{۱۵} و به من می گوید: آبهایی را که دیده ای آنجا فاحشه بر آنها نشسته اقوام و توده ها و امت ها و زبانها هستند.

^۴ و صدای دیگری از آسمان شنیدم که می گفت:

^{۱۶} و ده شاخ و حیوانی را که دیده ای ایشان از فاحشه نفرت خواهند داشت

ای قوم من، از [خانه] او بیرون شوید تا در گناهان او شریک نباشد و تا از بلاهای او دریافت نکنید.

^{۱۷} و او را حزین و لخت کرده و گوشت های او را خواهند خورد و خودش را در آتش خواهند سوزاند.

^۵ زیرا گناهان او تا به آسمان انباشته شده و خدا بی عدالتی های او را به یاد آورده است.

^{۱۸} اش^{۹-۸:۴۷} زیرا خدا به دل ایشان نهاده تا نیت او را اجرا کنند و فقط یک نیت انجام دهند

و پادشاهی خود را به حیوان بدھند تا

^۰- شاید منظور امپراطور دومیتیان است که به سبب تعقیب و شکنجه مسیحیان، نرون جدید محسوب می شد. می دانیم که در آن دوران افسانه هایی وجود داشت که می گفتند نرون پس از مرگش دوباره بر می گردد.

^p- این پادشاهان احتمالاً فرمانروایان ملت های تابع روم هستند و تعیین هویت هر یک از آنان هر چه باشد، یک نکته مسلم است: سلطه ها و قدرتها ای که منشأ آنها شیطان باشد نایایدار و موقعی هستند.

^۹- ترجمه دیگر: و با او آنان که خوانده شده اند، برگزیدگان و ایمانداران پیروز خواهند شد.

^{۹۹}- در برخی نسخه ها، عباراتی افزون تر دارد.

زیرا دیگر هیچ کس بار ایشان را نمی خرد،
۱۲ بار طلا و نقره و سنگ قیمتی و حرق ۲۷:۲۴-۲۴
مروارید،
و کتان ظریف و ارغوانی و ابریشمی و
قرمز
و هر چوب معطر و هر ظرف عاج و هر
ظرف چوبی بسیار گرانها و برنز و آهن
و مرمر،
۱۳ و دارچین و هل و بخورها و مُر و کندر
و شراب و روغن و آرد مرغوب و گندم و
دامها
و گوسفندان و اسبان و ارابه‌ها
و بردگان و انسان‌ها^۵
۱۴ و میوه‌هایی که روح تو آرزو داشت از تو
دور شد
ولذت‌ها و درخشانی‌ها از تو دور و گم
شده است
و دیگر هرگز آنها را نخواهی یافت.
۱۵ سودگران اینها که بوسیله آن [زن]
شروع‌مند شده‌اند به سبب ترس از
شکنجه، دور از او گریان و با ماتم
خواهند ایستاد،
۱۶ خواهند گفت:
وای! وای!
شهر عظیم که کتان ظریف و ارغوانی و
قرمز پوشیده بود و پوشیده از طلا و
سنگ قیمتی و مروارید؛
۱۷ زیرا در یک ساعت این همه ثروت ویران
شده است

^۶ به او [پس] بدھید همان را که او نیز داده
است^۳
ار ۱۵:۵۰، ۲۹ و به او دو چندان که کرده است [پس]
بدھید^۴،
در جامی که او آمیخته است^۴، برایش دو
چندان بیامیزید،
^۷ به همان اندازه که شکوه و تجمل خود را
گسترده،
به همان اندازه به او شکنجه و ماتم بدھید.
زیرا در دل خود می گوید:
من [چون] ملکه‌ای نشسته‌ام و بیوه‌زن
نیستم و ماتم نخواهم دید.
^۸ بدين سبب در یک روز بلاهای او خواهند
اش ۸:۴۷ آمد:
طاعون و ماتم و قحطی و به وسیله آتش
خواهد سوتخت،
زیرا خداوند، خدائی که او را داوری
می کند توانا است.
^۹ و پادشاهان زمین که با او بی عفتی کرده و
حرق ۱۶:۲۶ تجمل خود را گسترده‌اند به خاطر او
خواهند گریست و [به سینه] خواهند زد،
وقتی که دود سوختن او را ببینند،
۱۰ از ترس شکنجه او، از دور ایستاده
خواهند گفت:
وای! وای!
 شهر عظیم بابل، شهر قدرتمند،
زیرا داوری تو در یک ساعت آمده است!
^{۱۱} و سوداگران زمین می گریند و به خاطر او
حرق ۳۶:۲۷ ماتم دارند

۱- تحتاللفظی: به او رد کنید چنانکه او رد کرده است.

۲- [در آن دوران هنگامی که شراب در جام می ریختند، آن را با ادویه و گیاهان مُطر و آب می آمیختند].

۳- ترجمه این دو کلمه فرضی و احتمالی است. تحتاللفظی: جسم‌ها و روح‌های آدمیان. در ترجمه یونانی عهد عتیق گاهی جسم‌ها به معنی بردگان آمده است (بید: ۳۴: ۲۹) و می توان معنی نزدیک به آن برای روح‌های آدمیان تصور کرد چنانکه در ترجمه یونانی حرق ۲۷: ۱۳ به این مفهوم است.

و دیگر صدای آسیا هرگز در تو
شنبیده نمی شود.

و دیگر هیچ روشنی چراغ در تو
نمی درخششد

و دیگر هیچ صدای داماد و عروس در ار: ۳۴:۷
تو شنبیده نمی شود ۱۰:۲۵

زیرا سوداگران تو بزرگان زمین اش ۸:۲۳
بودند،

زیرا به وسیلهٔ جادوگری تو همه امت
ها گمراه شده‌اند.

و در آن^۷ خون انبیاء و مقدسین و مت: ۳۵:۲۳-۳۷
همه آنان که بر روی زمین سر بریده مکا: ۶:۱۶
شده‌اند یافت شده است.

سرود پیروزی و جشن‌های عروسی بره

۱۹ ^۱ پس از اینها صدائی بلند،
به مانند صدای گروهی فراوان در

آسمان شیدم که می گفت:
هلویا!

نجات و شکوه و قدرت از آن خدای
ما است.

زیرا داوری‌های او حقیقی و عادلانه ۷-۶:۱۶
۲۰:۱۸ است؛

زیرا [او] فاحشة بزرگ که زمین را در
بی عفتی خود فاسد می کرد داوری
نموده

و انتقام خون بندگان خود را گرفته و ۶:۱۰-۱۱
۲۴:۱۸:۱۸:۱۱ از او باز خواسته است.^{۷۷}

^۳ و بار دوم گفتند:

و هر ناخدا، و همه کسانی که بر کشتی
اند و ملاحان و همه آنان که از دریا بهره

حرق ۲۹-۲۷:۲۷ می گیرند^t به دور ایستاده اند؛
^{۱۸} و با دیدن دود آتش او فریاد برآورده می

گفتند:

چه [شهری]^u بمانند شهر عظیم است؟

^{۱۹} و بر سراهای خود خاک می ریختند،

و فریاد زنان، گربان و ماتم کنان
حرق ۲۴-۳۰:۲۷ می گفتند:

وای! وای!

شهر عظیم که در آن همه آنان که
کشتی‌ها به روی دریا داشتند از

نعمت او ثروتمند شدند

که در یک ساعت ویران شده است!

^{۲۰} ای آسمان، درباره او شادی کن^v!

و [شما]، ای مقدسین و رسولان و
انبیاء[شادی کنید]، زیرا خدا دادخواهی
شما را از او داوری کرده است.

^{۲۱} و فرشته‌ای قدرتمند، سنگی به مانند
سنگ بزرگ آسیا برگرفت

ار ۶۴-۶۳:۵۱ و به دریا انداخته گفت:

بدین سان، بابل شهر عظیم بشدت
افکنده خواهد شد و دیگر هرگز آن

را نخواهد یافت.

^{۲۲} و صدای چنگ نوازان و موسیقی دانان
و نی نوازان و شیپور زنان

اش ۱۳:۲۶-۱۸:۲۴

دیگر هرگز نزد تو شنبیده نمی شود
و هیچ صنعتکار هیچ فنی دیگر نزد تو

پیدا نمی شود

^t- ترجمه دیگر: کارگران دریا.

^u- ترجمه دیگر: از ویرانی او شادی کن.

^v- ترجمه دیگر: و در تو.

^{۷۷}- تحتاللفظی: انتقام خون بندگان خود را از دست او گرفته است.

ظریف، درخشنان و پاک بپوشد؛
زیرا کتان ظریف [اعمال] عدالت اش ۶۱:۱۰
های مقدسین است.
^۹ و به من می‌گوید^a
بنویس: خوش با آنان که به شام عروسی
بره خوانده شده‌اند!
و به من می‌گوید: اینها سخنان حقیقی
خدا هستند.^b
^{۱۰} و من به پاهاش افتادم تا در مقابل او
زمین را بوسه زنم.
و به من می‌گوید: زنhar! چنین مکن.
من هم خدمت تو و برادرانت هستم که
شهادت عیسی را دارند:
خدا را پرستش کن زیرا شهادت عیسی
روح نبوت است.^c

پیروزی مسیح

^{۱۱} و دیدم آسمان باز شده است
و اینک اسبی سفید و آنکه بر آن سوار
است وفادار و حقیقی نام دارد
و با عدالت داوری می‌کند و ^۱_{۱:۷، ۳:۵}
می‌جنگد.^d

^{۱۲} و چشمانش شعله آتش
و بر سرش دیهیم‌های بسیار،
دان ۱۰:۶؛
مکا ۱:۱۴؛
۱۸:۲

هلویا!
اش ۳۴:۱۰؛
مکا ۱۴:۱۱؛
بالا می‌رود.

^۴ و بیست و چهار پییر و چهار جاندار
به خاک افتاده
و خدا را که بر روی تخت نشسته است
پرستش کرده گفتند:
آمین! هلویا!

^۵ و صدایی از تخت بیرون آمد که
می‌گفت:

ای همه بندگان او، ای کسانی که
از او می‌ترسید، ای کوچکان و
بزرگان، خدای ما را ستایش کنید!

^۶ و صدائی به مانند صدای گروهی فراوان
و به مانند صدای آهای بسیار
و به مانند صدای تندرهای قوی شنیدم
که می‌گفت: هلویا!

زیرا خداوند، خدای ما قادر متعال
جلوس کرده است.^w

^۷ شادی کنیم و به وجود در آئیم و اورا
شکوه دهیم

^{۱۷:۱۱}
زیرا عروسی بره فرا رسیده^x
و همسرش خود را آماده کرده است;
^۸ و به او داده شده که لباسی از کتان

^w- تحتاللطیف: خدای متعال سلطنت کرده است.

^X- در نوشته‌های عهدتیق گاهی خدا، شوهر اسرائیل خوانده شده است (اش ۵:۴-۸؛ هو ۲:۱۶-۱۸)، مسیحیت این تصویر مجازی را اخذ کرده و اندکی تغییر داده است: (ر.ک افس ۵:۲۳، ۲۵، ۲۶؛ ۳۲). ۲) انتظار برای

جشن‌های عروسی در ایام آخر که تحقق کامل عهد است (ر.ک مت ۲:۲۲؛ ۲۵:۲؛ ۱۳-۱:۲۵).

^y- ترجمه دیگر: و فرشته‌ای به من می‌گوید. آیه ۱۰ و آیه ۸:۲۲ که به موازات آن است به خوبی نشان می‌دهد که منظور فرشته‌ای است.

^Z- همچنین می‌توان چنین استنباط کرد: این سخنان خدا حقیقی هستند.

^a- روح القدس که الهام گر پیامبران است پیشایش به عیسی شهادت می‌داد. اکنون بر اثر همان الهام، این گواهی اعلام تحقیق پیام

پیامبران است.

^b- توصیفی که از این سوار آسمانی شده از اظهارات پیامبران متعددی الهام می‌گیرد که می‌توان هوتیت او را تعیین نموده عمل او را بهتر درک نمود: ۱) طبق اش ۱۱:۴-۳ (ر.ک آیات ۱۱، ۱۰) و مز ۹:۲ (ر.ک آیه ۱۵) این سوار مسیح موعود پسرداد است. ۲) همچنین سخن خدا است که در توصیف شب عید گذر برابر حکم ۱۵-۱۴:۱۸ (ر.ک آیه ۱۳) جای فرشته مرگ را می‌گیرد (ر.ک آیه ۱۳).

گوشت‌های همه مردمان آزاد و همچنین
بردگان و کوچکان و بزرگان را بخورید.^e

^{۱۹} و دیدم که حیوان و پادشاهان زمین و
ارتشهای ایشان جمع شده‌اند تا با آنکه
بر اسب سوار است^f و با ارتش او^{۱۶، ۱۴:۱۶}
^{۱۴-۱۲:۱۷} بجنگند.

^{۲۰} و حیوان دستگیر شد و با او نبی^g
دروغین^۸ که در مقابل او نشانه‌هائی
می‌کرد و بوسیله آنها کسانی را که نشانه^{۱۷-۱۳:۱۳}
حیوان را داشتند و کسانی را که در
تصویر او پرستش می‌کردند گمراه نمود.
هر دو را زنده در استخر آتش
افروخته از گوگرد^h انداختند.
دان ۱۱:۷

^{۲۱} و دیگران به شمشیر آنکه بر اسب سوار
بود کشته شدند، [شمشیر]ⁱ که از
دهانش بیرون آمده بود،
و همه پرندگان از گوشت‌های آنان سیر
شدند.

هزار سال

^{۲۰} و فرشته‌ای دیدم که از آسمان
فروآمد
و کلید‌های^۱ و زنجیری بزرگ به دست
داشت.

نامی نوشته دارد که کسی جز او
نمی‌داند^c،

^{۱۳} و ردائی آغشته به خون پوشیده^d
و نام او «سخن خدا» خوانده می‌شود.
^{۱۴} و ارتشهای که در آسمان هستند، سوار
بر اسبان سفید، کتان ظریف سفید پاک
پوشیده به دنبالش می‌آیند.

^{۱۵} و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید
تا به وسیله آن امت‌هارا بزند،

و اوست که آنان را با عصایی آهین
خواهد چرانید؛
یو ۱:۱

و اوست که چرخشت شراب شدت خشم
خدای قادر متعال را لگدمال می‌کند.
^{۱۶} و بر لباس و بر رانش نامی نوشته شده
است:
مز ۹:۲

پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان.
^{۱۷} و دیدم فرشته‌ای که در خورشید ایستاده
به صدای بلند فربیاد برآورد و به تمام
پرندگانی که در اوج آسمان پرواز

می‌کنند گفت:
تیمو ۱۵:۶

^{۱۸} تیمو ۱۵:۶
دان ۴:۲

بیانید، برای شام بزرگ خدا جمع شوید،
تا گوشت‌های پادشاهان و گوشت‌های
سرداران و گوشت‌های قدرتمندان و
گوشت‌های اسبان و سواران آنها و

^c- در توصیف سوار آسمانی چندین بار اشاره به نامهای او می‌شود (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۶). این نام‌ها جنبه‌های مختلف شخصیت
و عمل او را مشخص می‌نمایند: مثلاً نام اسرارآمیز آیه ۱۲ رفعت مقام و الوهیت او را نشان می‌دهند؛ در آیه ۱۳ عنوان سخن
خدا مقام او را به عنوان داور بیان روزگار تعیین می‌نماید (ر.ک حک ۱۸:۱۵-۱۵:۱۶؛ اش ۱۱:۱۱ و مکا ۱۱:۹؛ b): بالاخره در
آیه ۱۶ خداوندی او صریحاً اعلام شده است.

^d- اشاره به اش ۱:۳-۱:۶ (همچنین ر.ک مکا ۱۹:۱۵) که روایات بهودیان (ترکوم‌ها) آن را پیشگوئی درباره داوری در پایان
روزگار می‌دانستند که بوسیله مسیح موعود اجرا خواهد شد.

^e- در این توصیف مستقیماً از رؤیای حرقیال (۲۰-۱۷:۲۹) (۲۰-۱۷:۲۹) الهام گرفته شده است.

^f- گاهی به جای آنکه بر اسب سوار است و در آیه ۲۱ نیز به همین گونه آمده، ترجمه می‌کنند: سوار.

^g- به نمایندگان تیروی بدی به ترتیبی کیفر فرا می‌رسد که بر عکس ترتیب ظهور آنها در مکاشفه است (ظهور شیطان در باب
۱۲؛ حیوان و پیامبر دروغی در باب ۱۳؛ ارتشهای شیطانی در باب ۱۷)، کیفر شیطان در باب ۲۰ توصیف خواهد شد.

^h- ر.ک مکا ۱:۱۰ توضیح s.

ⁱ- ر.ک مکا ۱:۱ توضیح p.

و ایشان جان گرفتند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.^m
^۵ بقیه مردگان جان نگرفتند تا اینکه هزار:۵ روم:۱۷:۵
 سال به پایان رسد.
 این رستاخیز اول است.
^۶ خوشبخت و مقدس است آنکهⁿ از رستاخیز اول نصیب دارد؛
 مرگ دوم^o بر اینان اقتداری ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود
 و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

پیروز نهایی و داوری
^۷ و هنگامی که هزار سال به پایان برسد، شیطان از زندان خود رها خواهد شد.
^۸ و بیرون خواهد آمد تا امت هایی را که در چهار گوش زمین هستند یعنی

^۲ و اژدها را گرفت، آن مار قدیمی که ابلیس و شیطان است و او را برای هزار سال^{۹:۱۲} در بند کرد.
^۳ و او را در هاویه افکند و [در را] بسته بر آن مهر زد تا دیگر ملت‌ها را گمراه نکند تا وقتی که هزار سال به پایان برسد، بعد از اینها باید وی برای اندک زمانی رها شود.^k
^۴ و تخت‌هایی دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان داده شد که داوری کنند.^۱
 و همچنین [دیدم] ارواح کسانی را که به سبب گواهی بر عیسی و به سبب سخن خدا سرشان [با تبر] زده شده و آنان که حیوان و تصویر او را پرستش نکرده بودند و به روی پیشانی و روی دست خود نشانی دریافت نکرده بودند.^{۱۷-۱۵:۱۳}

ج- ذکر مدت هزار سال که در آیات ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ نیز آمده تفسیرهای مختلفی دارد و به طور کلی می‌توان به دو نوع تفسیر اشاره کرد که امروزه هر دو طرفدارانی دارند:

(۱) یکی آن که تفسیر هزاره خوانده می‌شود و به مفهوم صحیح تر باید آن را تفسیر آینده نگری نامید. برطبق این تفسیر، سلطنت زمینی هزار ساله که در مکاشفه اعلام شده غیر از سلطنت خدا است ولی این تفسیر موجب نتیجه گیری‌های بی‌قاعده‌ای شده به طوری که موجب گردید مفسران با احتیاط از آن طرفداری کنند؛ و چنین تشخص می‌دهند که در اینجا تحقق پذیرفتن تاریخ پیشگویی اعلام می‌شود. خدا می‌خواهد که در مرحله اول پایان روزگار، دنیا محل تجلی و شکوه مکاشفه باشد.

(۲) بر طبق تفسیر دیگری که تفسیر مجازی یا روحانی نامیده می‌شود دوران مورد نظر دورانی نیست که در آینده باید منتظر بود بلکه دورانی است که آمدن مسیح را از پایان روزگار جدا می‌کند و اگر افعال به زمان مستقبل آمده، این نکته را باید فقط به عنوان طرز بیان معمولی پیامبرانه به شمار آورد. زیرا به معض اینکه عیسی ظاهر می‌شود شیطان دریند شده است (مت:۲۹-۲۵:۱۲). بنابراین ذکر مدت هزارسال را می‌توان این گونه توضیح داد: این رقم یا از طریق گرفته شده که بر مبنای آن دنیا در یک هفتنه کیهانی یعنی ۷۰۰ سال بنا شده یا اینکه احتمالاً اشاره پن نظریاتی درباره اقامت آدم نخستین در بهشت است: توضیح آنکه خدا به ادم گفت در روزی که میوه منوع را بخورد خواهد مرد (پید:۵:۲۰)؛ باری آدم در سن ۹۳۰ سالگی مرد (پید:۵:۵) ولی برطبق من:۴:۴ هزارسال برای خدا، یک روز است و بنابراین هزارسال به معنی آن است که با آمدن مسیح، هم اکنون فرد ایماندار به زندگی بهشتی واقعاً دسترسی دارد (ر.ک مکا:۷:۲).

k- این عبارت به هرگونه تفسیر شود باستی آن را در مقایسه با آنچه در همین مورد در مکا:۱۲:۱۲ آمده درک نمود، بدین معنی که عمل شیطان همواره محدود و محکوم به شکست نهائی است. همچنین این نکته را با سه سال و نیم که قبلاً ذکر شده (ر.ک مکا:۱۱:۲ توضیح (a) مقایسه نمائید.

l- ترجمه دیگر: آنان که آمدند در آنجا جلوس کردند، داده شد که داوری کنند.
m- طبق آنچه در آیه ۵ می‌آید منظور رستاخیز اول است. در اینجا مجدداً دو نوع تفسیر را که درباره هزار سال ذکر شده است باز می‌بایم: (۱) در تفسیر اول منظور رستاخیز (جسمانی) برای دوران ماقبل آخر تاریخ نجات است. (۲) در تفسیر دوم این رستاخیز را باید به مفهوم روحانی درک نمود، یعنی زندگی جدیدی که مسیح می‌دهد (ر.ک کول:۲:۱۲:۱).

n- ترجمه دیگر: خوشبخت و مقدس آنان که...
o- ر.ک مکا:۱۱:۲ توضیح .

۱۲ و مردگان را دیدم از بزرگ و کوچک در

جلو تخت ایستاده و کتابهایی باز شده^۸؛

و کتاب دیگری باز شد که کتاب زندگی^۹

بود

و مردگان طبق آنچه در کتابها نوشته

شده برابر اعمالشان داوری شدند.

۱۳ و دریا مردگانی را که در خود داشت پس

داد

و مرگ و جایگاه مردگان^{۱۰}، درگذشتگانی

را که در خود داشتند پس دادند^۷

و هر کدام بر طبق اعمالشان داوری

شدند.

۱۴ و مرگ و جایگاه مردگان در استخر^{۱۱} قرن^{۱۲} ۴:۲۱

آتش^{۱۳} افکنده شدند.

چنین است مرگ دوم^{۱۴}: استخر آتش.

۱۵ و اگر کسی در کتاب زندگی نوشته،^{۱۵} ۸:۱۷

یافت نشد در استخر آتش افکنده

می شد.

جوچ و مأجوج^P را گمراه کند،

آنان را برای جنگ گرد هم آورد، که

تعدادشان همچون شن دریا است.

۲۱-۱۹:۱۹ ۱۶:۱۴

۹ و ایشان بر وسعت زمین برآمدند و

گردآگرد اردوی مقدسین و شهر محبوب^۹

۶:۷۸ ۲:۸۷

را گرفتند

اما آتشی از آسمان فرود آمد و ایشان را

بلعید.

۱۰ و ابلیس که ایشان را گمراه می کرد در

استخر آتش و گوگرد افکنده شد، همان

جا که حیوان و نبی دروغی بودند و روز و

شب، به روزگاران و روزگاران شکنجه

خواهند شد.

۱۱ و دیدم تختی عظیم سفید و آنکه بر آن

نشسته

که از [برابر [روی [او] زمین و آسمان

گریختند و جایی برای آنان پیدا نشده

بود.^T

p- بنا به نوشته های عهد عتیق شخصی به نام جوج در بین افراد نسل رؤیین وجود دارد (۱- توا ۴:۵) و یکی از پسران یافت مأجوج

نام داشته است (پید ۲:۱۰). حزقيال در بابهای ۳۹-۳۸ از حمله نهائی جوج پادشاه مأجوج عليه اسرائیل سخن می گوید

هنگامی که اسرائیل مجدداً سرسامان یافته بود. به طور کلی نامهای جوج و مأجوج در روایات یهود جایگاه مهمی دارند و نام

اقوامی هستند که قبل از دوران مسیحیانی، در دوران مسیحیانی و بلافصله پس از آن به اسرائیل (و مخصوصاً به اورشلیم)

هیچم خواهند برد ولی دخالت معجزه آسای خدا (که گاهی بوسیله مسیح موعود انجام می شود) اتحاد این دو قوم را نابود خواهد

کرد که شاهه و نماد آخرين جبیش خصمانه مشرکان است، خصوصیت که تا پایان روزگار به طور مطلق و قطعی ادame دارد.

q- یوحنا که وقایع پایان روزگار را بدین گونه در مکاشفه خود می بیند ممکن است از حمله های تاریخی الهام گرفته باشد که بر

فلسطین و بر شهر اورشلیم وارد آمده است. ولی در تجزیه و تحلیل نهایی، اردوی مقدسین و شهر محبوب مظهر و نشانه کلیسای

جهانی است که در سراسر دنیا پراکنده است و در آن به مانند روزگاری که قوم خدا در صحراء قرم برمی داشت راه می پیماید

(ر. ک اعد ۲).

r- ترجمه دیگر: گریختند بدون اینکه اثرباری بر جای گذارند.

ممکن است منظور از این عبارت، از بین رفتن آفرینش اول (ر. ک مکا ۱:۲۱؛ ۱۰، ۷:۳) یا فقط مستثنی کردن آن

باشد: زیرا آسمان و زمین فقط محیط فعالیت آدمیان بوده در صورتی که آدمیان مستول هستند و درباره آنان داوری می شود.

s- منظور دفترهای آسمانی است که در آنها اعمال آدمیان ثبت می شود (ر. ک دان ۱۰).

t- ر. ک مکا ۳:۵ توضیح y.

u- ر. ک مکا ۱۸:۱ توضیح a.

v- تحتاللغتی: مردگانی که در او بودند... مردگانی که در آنها بودند.

w- ر. ک مکا ۳:۱۰ توضیح s.

x- ر. ک مکا ۲:۱۱ توضیح i.

و مرگ دیگر وجود نخواهد داشت؛
نه ماتم، نه فریاد، نه رنج دیگر نخواهد
بود؛
زیرا نخستین چیزها از بین رفته اند.^d
و آنکه بر تخت نشسته است گفت:
اینک همه چیز را نومی کنم.
و می گوید: بنویس، زیرا اینها سخنان اش.^e
فرن ۲، قرن ۷، ۸:۲۶
دان ۱۹:۶، مکا ۶:۲۲
امین و حقیقی هستند.
و به من گفت: تمام شد!^f
من آلفا و امگا^g،
آغاز^h و انجام هستم.
به کسی که تشنیه است،
از چشمۀ آب زندگی به رایگان خواهم اش.ⁱ
بوی ۳:۴، ۵:۱
مکا ۷:۱۴، ۲:۱۷
پیروزمند وارت اینها خواهد شد و من
برایش خدا خواهم بود و او برای من
بیرونی
۷:۱۷، ۲:۱۷

آسمانهای نو و زمین نو

- اش ۱۷:۶۵
۲۲:۶۶
۲- بطریق
مکا ۱۱:۰۲

زمین رفته بودند و دیگر دریا نیست.^y

۲۷:۱۶ مت
اچ ۱۰:۱۶ اش
۱۸:۱۵ عہد
کہ ان آسمان، ان نہ خالان، و آهان،
و شهر مقدس، اور شلیم نو^۲ را دیدم،

آماده شده همچون عروضی که برای
که از اسماء، از ترد حدا پایین می‌امد،

شوهرش آرایش شده باشد.^a

۳ و صدایی بلند شنیدم از تخت می آمد که

می گفت:

اینک مسکن حدا با انسان ها،
و با ایشان سکونت خواهد کرد

و بایسیش مکریت تو خدمه تر،
و ایشان قوم های او خواهند بود، و خدا،

خودش با ایشان خواهد بود.^c

او هر اشکی را از چشمها یشان پاک
ash ۸:۲۵؛ ۱۰:۳۵

حوالہ درد:

y- در اینجا موضوع از بین رفتن خلقت اول و جایگزینی آن با دانگ و حاه نهاده عما خلاقه خواست. قلاده، ش ۷۰:۶۸

ع برمی خوریم (ر. ک خنوج ۴۵:۴-۵؛ ۷۱:۱؛ ۹۱:۱۶)

است (مثلاً ر. ك مت ١٩: ٢٨؛ مرت ١٣: ٤٤؛ قرن ٥: ٧). طبق ديدگاه کیهان‌شناسی قدیم، دریا با قیمانده وضع آشفته

راین جائی در آفرینش جدید ندارد.

۷- ر. ی مکا ۱۱:۱ نوچیح ۱. دکر اور سلیم جدیدی ده اړوا
عهد عتیق آمده است: از یک سو اور سلیم پایان روزگار به

ج (h). ذکر این دو موضوع برای آن است که نشان داده های ۲۵-۱)؛ از سوی دیگر نمونه ای آسمانی از نشانه های

کلیسا است ولی کلیسا یکی که به هنگام باز آمدن مسیح حقیقت ام شاهزاده نداشت اما قدرت ایشان را تواند آ

بیم نامید ریرا محل اجتماع قوم متبار است و از این نهاده تشکیل داده است (ر. ک همچنین غلام: ۴۳).

a- ر. ک مکا ۱۹:۷ توضیح X

b- تحت اللفظی؛ چادر یا صندوقجه سیمان که تحقق لاو ۱۱:۲۶

به طوری که در مکا ۱۵:۱۷ نیز آمده در اینجا موضوع حض است. همین نکته در به ۱۴:۱ ذکر گردیده ولی در مورد راز

۱۱۰. در برترین دیده وی در مورد راز

- این عبارت مفهوم دقیق همان کلمه عمانوئل (= خدا با ما)

می نوای بترجمه کرد: و او - حدا با ایشان - حدای ایشان حوا
d- تحت اللفظی: اولین چیزها گذشته اند.

-e ر. ک مکا ۱۸:۱ توضیح a
-f همین کلمه یونانی در مکا ۱۴:۳ نیز آمده است و برای مط

آفرینش است در صورتی که در اینجا بدون مضاف الیه کلمه

^h قبیله بنی اسرائیل است.
^{۱۳} در شرق، سه دروازه؛ و در شمال، سه دروازه؛
 و در جنوب، سه دروازه؛ و در غرب سه دروازه.
^{۱۴} دیوار شهر دوازده پی دارد،
 و بر روی آنها دوازده نام دوازده رسول
 بره است.
^{۱۵} و آنکه با من سخن می‌گفت یک نی حرق^{زی} ۴:۳-۵:۲
 اندازه گیری زرین داشت،
 تا شهر و دروازه هایش و دیوار آن را
 اندازه بگیرد.
^{۱۶} و شهر چهارگوش است، و طول آن برابر عرض آن است و شهر را با نی اندازه گرفت که دوازده هزار استاد بود.
 طول و عرض و ارتفاع آن برابر است.
^{۱۷} و دیوار آن را اندازه گرفت، صد و چهل و چهار ذراع،
 اندازه بشری که همان اندازه فرشته است.
^{۱۸} و مصالح دیوار آن از یشم است،
 و شهر از طلای خالص، به مانند شیشه خالص.

^{ff} فرزند خواهد بود.
^{۱۸} اما ترسویان و بی ایمانان و پلیدان و جنایتکاران و بی عفتان و جادوگران و بت پرستان و تمام دروغگویان، نصیب ایشان، استخر آتش سوزان و گوگرد است که مرگ دوم می‌باشد.
^۲-^{۷:۱۴} سمو: ۲-^{۷:۲} مژ: ۲-^{۸:۲۷} ۸:۸۹
^{۵-۴:۱} عبر:

اورشلیم نو

^۹ و یکی از هفت فرشته‌ای که هفت پیاله پر از هفت بلای آخر را داشتند آمد و با من به سخن در آمده، گفت:
 بیا تا عروس، همسر بره را به تو نشان

دهم.

^{۱۰} و مرا در روح برکوهی عظیم و بلند برد،
 و به من شهر مقدس اورشلیم را نشان داد
 که از آسمان، از نزد خدا فرود می‌آمد،
^{۱۱} اش ۲-۱:۶-۲ دشکوه خدا را داشت.^g

درخشش آن به مانند سنگی بسیار گرانبها،
 همچون سنگ یشم بلورین بود.
^{۱۲} دیواری بلند و عظیم دارد.

^{۱۳} دوازده دروازه دارد،
 و بر روی دروازه‌ها دوازده فرشته،
 و نام‌هایی نوشته شده که از آن دوازده

-ff [تحتاللفظی: پسر].

^g- درخشش نورانی شکوه نشانه حضور مقام رفیع و الائی است چنانکه در افتتاح و تقدیس خیمه و صندوقچه پیمان ذکر شده است (ر. ک مکاہ ۱:۱۵ توضیح Z).

توصیفی که بعداً ذکر می‌شود (اقدامات یکنواخت، وسائل و مصالح گرانبها وغیره) مخصوصاً برای آن است که کمال و برتری اورشلیم نو یادآوری شود. نهوده تصویری که در اینجا بکار برده شده از نوع تصاویر ظهور الهی و رؤیای اورشلیم بازسازی شده است که در حرق ۴۰-۴۱ آمده است. ضمناً در مورد بیان حقیقت جمعیت مسیحیان نیز بکار می‌رود.

^h- کلیسا تحقیق و انجام قوم عهد است (بیز ر. ک مکا ۴:۷-۱۸).

ⁱ- تحتاللفظی: شهر را با نی اندازه گرفت بر روی دوازده هزار استاد. [هر استاد = ۱۸۵ متر].

^j- تحتاللفظی: اندازه انسان که همان فرشته است. یا: اندازه انسان یعنی آن فرشته. توضیحی که داده شده مبهم است و شاید فقط برای آن است که یادآوری کند آدمیان همچون فرشتگان «خدمتگزاران خدا» هستند (ر. ک مکا ۱۹:۱۰؛ ۲۲:۹). مگر اینکه نویسنده خواسته باشد یادآوری نماید که این اندازه، ارزش معنوی و روحانی دارد (ر. ک مکا ۱۳:۱۸) و در اینجا کمال و برتری شهر مقدس را نشان می‌دهد (ر. ک ۷:۴-۷:۱۱).

- اش ۱۲، ۱۱:۵۴ ۱۹ پی های دیوار شهر با انواع سنگ گرانبها
تزئین شده اند؛
پی اولی با یشم، دومی با یاقوت کبود،
سومی با عقیق [سفید]، چهارمی با زمرد،
۲۰ پنجمی با عقیق خرمائی، ششمی عقیق
زعفرانی،
هفتمی با زبرجد، هشتمی با یاقوت کبود،
نهمی با یاقوت زرد، دهمی با عقیق سیز،
یازدهمی با بهرمان، دوازدهمی با یاقوت
[بنفس].
- ۲۱ و دوازده دروازه، دوازده مروارید؛
و هر دروازه ها یک مروارید بود،
و میدان شهر از طلای خالص همچون
شیشه شفاف است.
- ۲۲ و در آن معبدی ندیدم؛
زیرا خداوند، خدای قادر متعال و
یو ۲۱-۱۹:۲ مکا ۳:۲۱ همچنین بره معبد آن است.^k
- ۲۳ اش ۱۹، ۱۶:۰ و شهر نیازی به خورشید یا ماه ندارد تا
آن را روشن کنند؛
زیرا شکوه خدا آن را روشن کرده است و
چراغ آن بره است.

- در اورشلیم آسمانی دیگر جائی مختص حضور قدوسیت وجود ندارد: زیرا ارتباط با خداوند بدون واسطه و فوری است و همین نکته تحقق کامل «حضور خدا در میان آدمیان» است (ر. ک مکا ۳:۲۱). برابر یو ۲۱:۲ جسم مسیح، معبد نو دوران پیان روزگار است.

- منظور راه پیمایی بزرگ در پیان روزگار برای زیارت اورشلیم است که محل اجتماع روحانی همه اقوام شده است (ر. ک اش ۰، ۳:۶، ۱۱).

- ظلمات هم به مانند دریا باقیمانده وضعیت هرج و مرج ابتدائی قبل از آفرینش است و در آفرینش جدید وجود نخواهد داشت (ر. ک مکا ۱:۱).

- ر. ک مکا ۳:۵ توضیح ^y.

- برابر یو ۴:۷-۱۲ رودخانه از معبد فوران می کرد؛ در اورشلیم نو معبد همان خداوند، خدا و بره خواهد بود (ر. ک مکا ۲۱:۲۱). تصویری که در اینجا بکار برده شده تأکید می کند که زندگی مستقیماً از خدا و بره می آید (نیز ر. ک ۳۸:۷).

- تحت اللفظی: در وسط میدان و رودخانه از یک سو و سوی دیگر. این عبارت مبهم و دو پهلو تصویری از باغ عدن است و می توان آن را به طرق مختلف تفسیر نمود: یا اینکه درختان زندگی بر روی سواحل رودخانه قرار دارند؛ یا یک درخت زندگی در وسط رودخانه ای است که بر طبق یو ۲۰: ۱ به شاخه های متعددی منشعب می شود.

- ر. ک مکا ۷:۷ توضیح ^e. عبارت درخت زندگی که در اینجا و در آیه ۲۹ آمده در ترجمه تحت اللفظی چوب زندگی است.

اینها را به من نشان می داد به زمین
افتادم.
^۹ و به من می گوید: زنhar!
من هم خدمتگزاری چون تو و برادرانت
انبیاء
و آنان که سخنان این کتاب را نگه
می دارند هستم؛
خدا را پیرست.
^{۱۰} و به من می گوید: سخنان نبوّت این
کتاب را مهر نکن،
زیرا زمان نزدیک است!
^{۱۱} ظالم همچنان ظلم بکند و تا پلید دان ۱۰:۱۲
امنیت
همچنان خود را آلوه سازد،
و تا عادل همچنان عدالت کند و تا
مقدس همچنان خود را مقدس سازد.

^{۱۲} اینک به زودی می آیم
و مزد من با من است تا به هر کس برابر
عمل او بپردازم.
^{۱۳} من آلفا و امگا هستم،
نخستین و آخرین،
آغاز و فرجام.

^{۱۴} خوش برآنان که لباسهای خود را
می شویند
تا بر درخت زندگی اقتدار داشته از
دروازه ها به شهر درآیند.

^{۱۵} اما بپرون می مانند سگان و جادوگران
و بی عفتان و جنایتکاران و بت پرستان و
هر آن که دروغ را دوست داشته انجام
می دهد.

و هر ماه میوه خود را می دهد
و برگهای درخت برای شفا دادن امتحان
است.
^{۱۶} زک ۱۴:۱۴ و دیگر هیچ لعنتی نخواهد بود.
و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و
بندگانش او را پرستش خواهند کرد.
^{۱۷} ۱۱:۲۱ و دیگر شبی نخواهد بود
پیشانی ایشان خواهد بود.
^{۱۸} ۱۱:۲۲ و دیگر شبی نخواهد بود
و نیازی به روشنایی چراغ و روشنایی
خورشید ندارند
زیرا خداوند، خدا بر روی ایشان خواهد
تابید
و به روزگاران و روزگاران سلطنت
خواهند کرد.
دان ۱۸:۷ دان ۲۷، ۱۸:۷
مکا ۵:۱۰

گفتار پایانی

^{۱۹} و به من گفت: ایها سخنان امین و حقیقی
هستند و خداوند، خدای ارواح انبیاء،
فرشته خود را فرستاد
تا آنچه را باید به زودی فرا رسد به
بندگانش نشان دهد،
^{۲۰} ^{۲۱} ۱۱:۳:۳:۱ و اینک به زودی می آیم.
خوش برآنکه سخنان نبوّت این کتاب را
نگه می دارد.
^{۲۱} ۱۶:۲۲ ^{۲۲} ۱۰:۱۹ و من، یوحنا که اینها را می شنیدم و
می دیدم،
و پس از اینکه شنیدم و دیدم، برای
پرستش در مقابل پاها فرشته ای که
مکا ۱۰:۱۹

۱- همچنین می توان ترجمه کرد: دیگر نفرینی نخواهد بود. منظور الغای حکمی است که ورود به بهشت را ممنوع می کرد (ر.ک. پید ۳:۲۲-۲۴).

۲- ترجمه دیگر: پنهان مکن. ر.ک. مکا ۱۰:۴ توضیح ۷.

اگر کسی بر آنها بیفزايد خدا بلاهای را
که در این کتاب نوشته شده است بر وی
خواهد افروزد.

^{۱۹} و اگر کسی از سخنان این کتاب نبوّتی را
حذف کند

خدا نصیب او را از درخت زندگی و از
شهر مقدس که در این کتاب نوشته شده
است حذف خواهد کرد.

^{۲۰} آنکه شهادت می دهد چنین می گوید:
آری من به زودی می آیم

آمین! بیا. ای خداوند عیسی!

^{۲۱} فیض خداوند عیسی با همه باد!

^{۳:۱}
^{۱۱:۳}
^{۱۲:۱۰}
^{۷:۲۲}
^{۲۲:۱۶}
- قرن ۱

^{۱۶} من، عیسی، فرشته ام را فرستاده ام تا
شما را درباره کلیسا براینها گواهی
دهد.^t

من ریشه و نژاد داود^u، ستاره درخشنان
بامدادم.^v

^{۱۷} و روح [القدس] و عروس می گویند:
بیا!

^{۱۸} و آنکه می شنود بگوید: بیا!
آنکه تشه است بباید،
آنکه می خواهد از آب زندگی
به رایگان برگیرد.

^{۱۹} من به هر که سخنان نبوّت این کتاب را
می شنود گواهی می دهم:

t - همچنین می توان ترجمه کرد: تا برای شما این گواهی را در میان کلیساها بیاورد.

u - ر.ک مکا:۵ توضیح .t

v - ر.ک مکا:۲۸ توضیح .u

w - همان عبارت آرامی «ماراناتا» که بیان امید بازگشت مسیح در پایان روزگار است و در آئین پرستش بکار می رود (ر.ک ۱-۲۲:۱۶).

WW - برخی نسخه ها، در بین آیه، چند کلمه بیشتر دارند.

|

—

|